

تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و توسعه انسانی در کشورهای منتخب خاورمیانه رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر کمترین مربعات جزئی

حیدر جلیل عبدالرضا الزرکانی^۱ ID، سید محمدباقر نجفی^۲ ID*، جمال فتح‌اللهی^۳ ID، ویدا دادخواه^۴ ID

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: hjlyl1790@gmail.com

۲- دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: Najafi122@razi.ac.ir

۳- دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: J.fathollahi@razi.ac.ir

۴- پژوهشگر، دکترای علوم اقتصادی، ایران. رایانامه: Dadkhah.vida@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>هدف پژوهش: توسعه انسانی یکی از موضوعات مهم در ادبیات توسعه است که به طور مستقیم بر رفاه فردی و اجتماعی افراد اثرگذار است. توسعه انسانی به ویژه در کشورهای درحال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. این پژوهش سعی در کشف روابط علی بین توسعه انسانی، حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی دارد.</p> <p>روش پژوهش: این مطالعه با هدف تحلیل تجربی این روابط در سه کشور در حال توسعه شامل ایران، لبنان و پاکستان انجام شده است. برای آزمون روابط میان متغیرها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر کمترین مربعات جزئی در نرم‌افزار SMART-PLS استفاده شد. طول دوره مورد مطالعه با توجه به در دسترس بودن داده‌ها از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۲۲ می‌باشد. داده‌ها از پیمایش ارزش‌های جهانی برای سنجش سرمایه اجتماعی، شاخص‌های حکمرانی خوب از بانک جهانی و گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد برای سنجش توسعه انسانی گردآوری شدند. نتایج نشان داد که رابطه بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایران و لبنان منفی و با شدت متوسط و در پاکستان مثبت و متوسط است. همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در دو کشور ایران و لبنان منفی و در پاکستان مثبت ارزیابی شده است. در مقابل، سرمایه اجتماعی در همه کشورهای مورد بررسی رابطه‌ای مثبت و نسبتاً قوی با توسعه انسانی دارد، اگرچه این رابطه در لبنان ضعیف‌تر است.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در ارتقای توسعه انسانی حتی در بستر حکمرانی ضعیف عمل کند.</p> <p>نتیجه‌گیری: این نتایج بر اهمیت طراحی سیاست‌هایی تأکید دارند که سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از پیشران‌های توسعه انسانی در نظر می‌گیرند و در عین حال اقتضات فرهنگی و نهادی هر کشور را در تحلیل روابط علی میان متغیرها لحاظ می‌کنند.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹</p> <p>کلید واژه‌ها: توسعه انسانی، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، معادلات ساختاری</p>

استناد: عبدالرضا الزرکانی، ح.ج. نجفی، س.م.ب. فتح‌اللهی، ج. دادخواه، و. (۱۴۰۴). تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و توسعه انسانی در کشورهای منتخب خاورمیانه رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر کمترین مربعات جزئی، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۲۶۵-۲۳۵، (۱)۱۴.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2025.68805.1894](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.68805.1894)

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه، ضعف نهادهای حکمرانی، محدودیت‌های آموزشی و بهداشتی و کاهش سطح اعتماد عمومی از موانع اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شوند. این کشورها اغلب با چالش‌هایی همچون فساد، ناکارآمدی اداری و بی‌ثباتی سیاسی مواجه‌اند. در این میان، سرمایه اجتماعی می‌تواند عاملی کلیدی برای بهبود حکمرانی و ارتقای توسعه انسانی باشد. با این حال، روابط بین این متغیرها هنوز در بسیاری از کشورها به صورت تجربی بررسی نشده یا نتایج متناقضی داشته‌اند. این مطالعه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها و مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر SMART-PLS به تحلیل دقیق‌تری از این روابط دست یابد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر نرم‌افزاری توسعه، نقش مهمی در بهبود حکمرانی و ارتقای شاخص‌های انسانی ایفا می‌کند. در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه، ضعف نهادهای رسمی، بی‌اعتمادی عمومی و شکنندگی ساختار حکمرانی، اهمیت سرمایه اجتماعی را دوچندان کرده است. این پژوهش با هدف بررسی اثر علی سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و توسعه انسانی در این کشورها طراحی شده است. در دهه‌های اخیر، تعامل میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی به یکی از محورهای اصلی مطالعات توسعه تبدیل شده است. اگرچه هر یک از این مفاهیم به‌طور گسترده و جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما بررسی هم‌زمان و ساختاری روابط میان آن‌ها، به‌ویژه در زمینه کشورهای در حال توسعه، همچنان پیچیده و وابسته به بسترهای فرهنگی، سیاسی و نهادی است. سرمایه اجتماعی که معمولاً از طریق شاخص‌هایی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد به نهادها سنجیده می‌شود، به‌عنوان یکی از دارایی‌های ناملموس مؤثر بر کیفیت حکمرانی و پیامدهای توسعه‌ای شناخته می‌شود. از سوی دیگر، حکمرانی خوب که با شاخص‌هایی نظیر اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و کنترل فساد سنجیده می‌شود، یکی از پیش‌شرط‌های کلیدی برای تحقق توسعه انسانی پایدار به‌شمار می‌رود. با وجود گسترش مباحث نظری در این زمینه، مطالعات تجربی که به‌صورت هم‌زمان به بررسی رابطه سه‌گانه سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی بپردازند (به‌ویژه با رویکرد مقایسه‌ای و مبتنی بر مدل‌های ساختاری) هنوز محدود هستند. افزون بر این، ماهیت و جهت این روابط در ساختارهای مختلف اجتماعی و سیاسی می‌تواند به‌طور چشمگیری متفاوت باشد. در کشورهایی با ساختارهای حکمرانی ضعیف یا متزلزل، سرمایه اجتماعی ممکن است نقش جبرانی در مسیر توسعه ایفا کند. در حالی که در بسترهایی با نهادهای قوی‌تر، حکمرانی می‌تواند نقش میانجی یا تقویت‌کننده در تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این کمبود مطالعاتی تجربی، به بررسی روابط میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی در سه کشور در حال توسعه شامل ایران، لبنان و پاکستان می‌پردازد. این کشورها به‌دلیل تنوع ساختارهای حکمرانی، سطوح متفاوت سرمایه اجتماعی و وضعیت‌های متغیر توسعه انسانی، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل تطبیقی این روابط فراهم می‌کنند.

ادبیات پژوهش

پیشینه نظری

مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی در سطوح ملی و فراملی پرداخته‌اند. بررسی این آثار نشان می‌دهد که ادبیات نظری و تجربی این حوزه را می‌توان در چهار دسته مفهومی اصلی طبقه‌بندی کرد.

پیشینه مطالعات را در چهار محور اصلی می‌توان دسته‌بندی کرد:

- ✓ مطالعات انتقادی درباره سرمایه اجتماعی
- ✓ مطالعات مرتبط با سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب
- ✓ مطالعات مرتبط با سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی (و ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن)
- ✓ مدل‌های نوین و مطالعات ترکیبی اخیر

دیدگاه‌های انتقادی درباره سرمایه اجتماعی

در دهه‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی از یک مفهوم جامعه‌شناختی صرف به شاخصی کلیدی در تحلیل توسعه و حکمرانی تبدیل شده است. بر خلاف دیدگاه سنتی که جامعه مدنی فعال را عامل تقویت دموکراسی می‌دانست، برمن^۱ (۱۹۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه مدنی و فروپاشی جمهوری وایمار» دیدگاه کلاسیک نسبت به نقش جامعه مدنی در تقویت دموکراسی را به چالش می‌کشد. وی استدلال می‌کند که در جمهوری وایمار^۲، جامعه مدنی متراکم در غیاب نهادهای سیاسی نهادینه‌شده، نه تنها موجب تقویت دموکراسی نشد بلکه به تضعیف آن انجامید. برمن نشان داد که نهادهای مدنی می‌توانند در شرایط خاص به نیروهای ضددموکراتیک قدرت ببخشند و انسجام سیاسی را تضعیف کنند.

در همین راستا، پورتس^۳ (۱۹۹۸) در مقاله «سرمایه اجتماعی: خاستگاه‌ها و کاربردهای آن در جامعه‌شناسی مدرن»، ضمن مرور نظریات بوردیو و کلمن^۴، سرمایه اجتماعی را مفهومی دوسویه معرفی می‌کند. او ابعاد مثبت مانند انسجام و حمایت متقابل و همچنین پیامدهای منفی چون انحصارگرایی و مانع‌تراشی در نوآوری را بررسی می‌کند. یکی از نوآوری‌های مهم پورتس، برجسته‌سازی پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی است. پورتس تأکید دارد که سرمایه اجتماعی در بستر نهادهای بسته می‌تواند به فساد و تبعیض منجر شود، بنابراین رابطه آن با حکمرانی خوب، پیچیده است و به زمینه‌های نهادی وابسته است.

فوکویاما^۵ (۲۰۰۱) نیز در مقاله «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و توسعه»، دو نوع سرمایه اجتماعی «بسته» و «باز» را معرفی می‌کند. وی معتقد است که تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه و حکمرانی وابسته به قدرت نهادهای دموکراتیک است. در جوامع با نهادهای ضعیف، سرمایه اجتماعی ممکن است موجب فساد و تقابل با دولت شود، در حالی که در نظام‌های نهادی قوی، می‌تواند حکمرانی را بهبود بخشد. او تأکید دارد که سرمایه اجتماعی قابل تولید و دستوری نیست و محصول فرآیندهای تاریخی و فرهنگی است.

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب

مطالعات متعددی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت حکمرانی را بررسی کرده‌اند. برخی از این مطالعات در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

گریندل^۶ (۲۰۰۷) نیز در مقاله «حکمرانی به اندازه کافی خوب» با تأکید بر پیچیدگی رابطه میان حکمرانی خوب و توسعه، بیان می‌کند که نمی‌توان رابطه‌ای خطی میان این دو متغیر در همه کشورها تصور کرد. وی با انتقاد از نسخه‌های یکسان برای اصلاحات حکمرانی، مفهوم «حکمرانی کافی» را مطرح می‌سازد که بر طراحی اصلاحات متناسب با ظرفیت‌ها و شرایط خاص هر کشور تأکید دارد. در کشورهای بحران‌زده، نهادهای غیردولتی و کمک‌های انسان‌دوستانه ممکن است اثربخش‌تر از مداخلات رسمی باشند.

در همین راستا، آدجومو-آیبیوو^۷ (۲۰۱۶) در مقاله «مبنای نظری حکمرانی خوب» نشان می‌دهد که اصلاحات حکمرانی خوب شامل آزادسازی اقتصادی، دموکراسی و تمرکززدایی در آفریقا نتوانسته‌اند به رشد اقتصادی یا بهبود رفاه منجر شوند. از نگاه نویسنده، این اصلاحات عمدتاً بر پایه مدل‌های غربی و نئولیبرال استوارند که با فرهنگ و تاریخ آفریقا ناسازگارند و در بسیاری موارد مشکلاتی مانند فساد، نابرابری و فقر را تشدید کرده‌اند. دموکراسی و تمرکززدایی نیز در آفریقا به شکل ناقص اجرا شده‌اند و نتایج مطلوب نظری را نداشته‌اند. نویسنده با بهره‌گیری از رویکرد آفروستریک و نظریه انتقادی آفریکانا^۸، بر

1. Sheri Berman
2. Weimarer Republik
3. Alejandro Portes
4. Bourdieu & Coleman
5. Francis Fukuyama
6. Merilee S. Grindle
7. Damola Adejumo-Ayibiowu
8. Afrocentricity and Africana Critical Theory

ضرورت توسعه نظریه‌ها و مدل‌هایی مبتنی بر واقعیت‌ها و فرهنگ آفرینایی تأکید می‌کند و تقلید صرف از مدل‌های غربی را ناکافی می‌داند.

از سوی دیگر، میانگ و سو^۱ (۲۰۱۶) در مقاله "کدام نوع سرمایه اجتماعی برای ایجاد اعتماد به حکومت مهم است؟" با تفکیک میان سرمایه اجتماعی «پیوندی» و «پل‌زننده»، نشان دادند که نوع دوم (روابط گسترده‌تر میان گروه‌ها) رابطه مثبتی با اعتماد به حکومت دارد. در حالی که سرمایه اجتماعی پیوندی، که مبتنی بر روابط خویشاوندی و بسته است، اثر منفی بر اعتماد دارد. یافته‌های آنان اهمیت نوع و کیفیت سرمایه اجتماعی را در «حکمرانی خوب» نشان می‌دهد.

استریژاک و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان "رابطه بین سطح توسعه انسانی و کیفیت محیط نهادی" به بررسی رابطه میان شاخص توسعه انسانی (HDI) و شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) در نمونه‌ای شامل ۱۸۸ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ پرداختند. روش تحقیق این مقاله بر پایه تحلیل داده‌های پانل و به‌کارگیری تحلیل خوشه‌ای است. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه بین کیفیت محیط نهادی و توسعه انسانی رابطه‌ای مثبت و مستقیم است و این رابطه در کشورهایی که کیفیت نهادها بالاتر است، قوی‌تر است. این یافته‌ها اهمیت نقش نهادهای رسمی و غیررسمی را در تسهیل توسعه انسانی و تحقق اهداف توسعه پایدار برجسته می‌کند. به طور کلی، این مجموعه مطالعات، چارچوب نظری پیچیده‌تری از رابطه‌ی میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی ارائه می‌دهد که به شدت وابسته به زمینه‌های نهادی، فرهنگی و سطح توسعه‌یافتگی کشورها است.

فدوی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "نقش و تأثیر دولت‌ها در ایجاد و تخریب سرمایه اجتماعی" با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی چگونگی نقش‌آفرینی دولت‌ها در فرآیند شکل‌گیری یا فرسایش سرمایه اجتماعی پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که دولت‌ها نقشی دوگانه در پویایی سرمایه اجتماعی دارند؛ به این معنا که سیاست‌ها و عملکردهای مبتنی بر شفافیت، پاسخ‌گویی، ثبات رفتاری و مشارکت‌جویی می‌توانند به تقویت اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و ارتقای حکمرانی خوب منجر شوند، در حالی که رفتارهای اقتدارگرایانه، تمرکز قدرت، بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری و نگاه امنیتی به جامعه مدنی، موجب تضعیف اعتماد، کاهش همبستگی اجتماعی و تخریب سرمایه اجتماعی می‌گردند. فدوی تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی زیربنای اساسی توسعه اقتصادی و حکمرانی مطلوب است و بدون آن، سایر اشکال سرمایه از جمله سرمایه انسانی و فیزیکی کارایی خود را از دست می‌دهند. بر این اساس، وجود «دولت دوستدار سرمایه اجتماعی» که بتواند محیطی اعتمادآور و تعامل‌محور فراهم آورد، ضرورتی بنیادین در مسیر توسعه پایدار به شمار می‌آید.

سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی

گروهی دیگر از پژوهش‌ها، رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و کیفیت نهادها را از منظر توسعه انسانی بررسی کرده‌اند. دیمورو و تریدیکو^۳ (۲۰۰۸) در پژوهش "نقش نهادها در توسعه انسانی" با بهره‌گیری از رویکرد توانمندسازی انسانی، استدلال می‌کنند که نهادهای پاسخ‌گو، شفاف و مشارکتی در ارتقای آموزش، بهداشت و آزادی‌های واقعی مؤثر هستند. در حالی که نهادگرایان سنتی بر نقش ابزاری نهادها برای رشد اقتصادی تأکید دارند، رویکرد توانمندسازی، نهادها را به‌مثابه عناصر ذاتی توسعه تلقی کرده و بر مشارکت اجتماعی و تصمیم‌گیری عمومی تأکید می‌کند.

یانگ^۴ (۲۰۱۰) در مقاله "توسعه انسانی و اثربخشی دولت" با استفاده از داده‌های ۶۳ کشور، تأثیر مثبت و معنادار اثربخشی دولت و سطح اقتصادی بر توسعه انسانی را نشان می‌دهد. وی توسعه انسانی را وابسته به کیفیت منابع انسانی دانسته و عملکرد مناسب دولت را عاملی کلیدی در بهبود خدمات عمومی و رشد اقتصادی می‌داند.

1. Seung-Yoon Myeong and Hyun Jung Seo
2. Olena Stryzhak
3. Pasquale De Muro & Pasquale Tridico
4. Ka Ho Yang

پرادهان و سانیا^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان "حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت‌های هندوستان" به تأثیر متغیر ترکیبی حکمرانی خوب بر توسعه انسانی می‌پردازد. یافته‌ها بیانگر آن است که نه تنها حکمرانی خوب کنونی، بلکه عملکرد گذشته آن نیز بر توسعه انسانی مؤثر است و نهادهای قوی‌تر می‌توانند رشد اقتصادی را تسهیل کنند.

رزمی^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی در کشورهای اسلامی" با استفاده از داده‌های پانل ۲۰ کشور اسلامی طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۸، اثر سرمایه اجتماعی را (از طریق شاخص ادراک فساد) بر توسعه انسانی بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که کاهش فساد (افزایش سرمایه اجتماعی) موجب ارتقاء شاخص توسعه انسانی می‌شود. همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه و امید به زندگی تأثیر مثبت و نرخ مرگ و میر نوزادان تأثیر منفی بر توسعه انسانی دارند.

در مطالعات جدیدتر، از منظر ارتباط سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی، بالیان^۳ (۲۰۲۳) در مقاله "سرمایه اجتماعی: پیوند حیاتی برای بهینه‌سازی تأثیر سرمایه انسانی" با بررسی موردی کشور ارمنستان، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت عملکرد نیروی انسانی در دولت فراهم کند. عواملی چون اعتماد متقابل، همکاری تیمی و ارزش‌های مشترک، عناصر کلیدی در این فرآیند هستند. با این حال، او هشدار می‌دهد که فضای دو قطبی، حامی‌پروری و سیاست‌زدگی می‌تواند مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی اثربخش شوند.

کاملو^۴ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان "کیفیت نهادها و توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه: شواهدی از داده‌های پانل پویا" به بررسی نقش کیفیت نهادها در ارتقای توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه پرداختند. هدف این پژوهش، تحلیل تأثیر کیفیت نهادی بر توسعه انسانی با در نظر گرفتن ناهمگنی و وابستگی مقطعی میان کشورها است. روش پژوهش مبتنی بر داده‌های پانل نامتوازن ۱۴ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۹ می‌باشد و از مدل پویای ناهمگن با اثرات همبسته مشترک^۵ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت نهادها در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارد، به‌ویژه زمانی که ناهمگنی کشورها و عوامل مشترک مشاهده‌نشده در مدل لحاظ شده‌اند.

تاندون^۶ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان "نهادینه‌سازی برای حکمرانی خوب به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار سلامت: یک تحلیل چارچوبی" و تمرکز بر ایران و کشورهای با درآمد متوسط و پایین، نقش فرآیند نهادینه‌سازی را در تقویت حکمرانی خوب در نظام سلامت بررسی کرده است. وی نتیجه می‌گیرد که تحقق حکمرانی خوب مستلزم تقویت نهادهای رسمی و غیررسمی از طریق نهادینه‌سازی اصولی همچون پاسخ‌گویی، عدالت و مشارکت مدنی است. این تحلیل نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی در حوزه سلامت با ارتقای ظرفیت نهادی و مشارکت اجتماعی پیوند مستقیم دارد.

مدل‌های ترکیبی و رویکردهای نوین

در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها به سمت تحلیل‌های ترکیبی حرکت کرده‌اند که سرمایه اجتماعی، حکمرانی و توسعه انسانی را به‌صورت هم‌زمان بررسی می‌کنند.

ون‌اونر و وستلوند^۷ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان "جنبه تاریک سرمایه اجتماعی در بستر فضایی" به بررسی ابعاد منفی و پیامدهای ناخواسته سرمایه اجتماعی پرداختند. آنان با رویکردی انتقادی استدلال کردند که سرمایه اجتماعی، برخلاف دیدگاه‌های رایج، همواره منجر به پیامدهای مثبت اقتصادی و اجتماعی نمی‌شود و در برخی زمینه‌ها می‌تواند به قفل‌شدگی

1. Rudra Prakash Pradhan and Gyanendra Singh Sanya

2. Mohammad Javad Razmi

3. Ani Gevorg Balian

4. Kelechi Charles Kamalu

5. DCCE

6. Ajay Tandon

7. Özge Öner & Henrik Westlund

نهادی، کاهش نوآوری، فساد، تبعیض اجتماعی و تقویت شبکه‌های غیررسمی ناسالم بینجامد. نویسندگان با اشاره به مفاهیمی چون «پارادوکس خویشاوندی»، «سرمایه اجتماعی منفی»، و «وابستگی مسیر»، توضیح می‌دهند که پیوندهای قوی خانوادگی و محلی اگرچه در کوتاه‌مدت نقش حمایتی دارند، اما در بلندمدت ممکن است مانع رقابت، پویایی و توسعه شوند. آنان نتیجه گرفتند که آثار سرمایه اجتماعی به شدت وابسته به بستر فرهنگی، نهادی و جغرافیایی است و نباید به صورت کلی به عنوان منبعی مثبت تلقی شود، بلکه باید در چارچوب نوع روابط (پیوندی یا پل‌زن) و کیفیت نهادهای رسمی هر جامعه تفسیر گردد.

در همین راستا، دورانت و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان "بازگشایی ابعاد سرمایه اجتماعی" با استفاده از داده‌های پیمایشی مربوط به حدود ششصد هزار نفر از شهروندان ایتالیا طی دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، به بررسی ماهیت چندبعدی سرمایه اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سرمایه اجتماعی از چهار مؤلفه‌ی اصلی یعنی مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی تشکیل شده است. بر اساس یافته‌ها، مشارکت اجتماعی و سیاسی بیشترین ارتباط را با کاهش نرخ جرم و افزایش پاسخ‌گویی سیاسی دارند، در حالی که اعتماد بین فردی بیش از سایر ابعاد با توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت سلامت مرتبط است.

در پژوهشی، استیلیانو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان "توسعه انسانی فراگیر و حکمرانی: تحلیل داده‌های پانل در کشورهای منتخب آسیایی" به بررسی نقش حکمرانی در ارتقای توسعه انسانی فراگیر پرداختند. آنان با استفاده از داده‌های پانلی مربوط به سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ و شاخص توسعه انسانی تعدیل‌شده بر اساس نابرابری بانک جهانی، تأثیر شش شاخص حکمرانی را بر توسعه انسانی فراگیر در بیست‌وچهار کشور آسیایی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ثبات سیاسی، اثربخشی حکمرانی، حاکمیت قانون و کنترل فساد اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارند، در حالی که کیفیت مقررات و شاخص پاسخ‌گویی تأثیر معناداری نشان ندادند.

جمع‌بندی تحلیلی

مطالعات اخیر بر هم‌پوشانی و تعامل متقابل سه مؤلفه‌ی سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی تمرکز یافته‌اند. فوکویاما (۲۰۰۱) و پورتس (۱۹۹۸) هر دو بر این نکته تأکید دارند که کیفیت نهادهای اجتماعی می‌تواند مسیر اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه را تعیین کند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی مانند دورانت و همکاران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که مؤلفه‌های متفاوت سرمایه اجتماعی، پیامدهای متنوعی بر حکمرانی و توسعه دارند. این شواهد نشان می‌دهد که رابطه میان این سه متغیر نه تنها علی، بلکه چندجهتی و بسترمحور است.

بر اساس مرور نظام‌مند ادبیات، می‌توان نتیجه گرفت که:

- ۱) سرمایه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که اثرات آن بر توسعه و حکمرانی به کیفیت نهادها و نوع روابط اجتماعی بستگی دارد.
- ۲) حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای دوسویه دارند؛ حکمرانی پاسخ‌گو و شفاف می‌تواند موجب تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی شود، و سرمایه اجتماعی نیز از طریق همکاری و کنترل اجتماعی، زمینه‌ساز کارآمدی نهادهای حکومتی است.
- ۳) توسعه انسانی نه صرفاً پیامد اقتصادی، بلکه برآیند تعامل میان سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و کیفیت حکمرانی است.
- ۴) پژوهش‌های جدید مانند دورانت و استیلیانو نشان می‌دهند که تفکیک ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از سازوکارهای توسعه انسانی ارائه دهد.

با توجه به تفاوت‌های نهادی، فرهنگی و سیاسی، هنوز روشن نیست که در چه شرایطی سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش تقویت‌کننده یا جبرانی برای ضعف حکمرانی ایفا کند. بنابراین، نیاز به پژوهش‌هایی احساس می‌شود که این روابط را به صورت هم‌زمان و مقایسه‌ای تحلیل کنند. بنابراین، بر پایه این ادبیات، پژوهش حاضر در پی آن است که با تکیه بر چارچوب‌های نوین نظری و شواهد تجربی، نقش تعامل میان سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب را در ارتقای توسعه انسانی بازتعریف کند و سهم هر یک از ابعاد این متغیرها را به صورت تفکیک شده بررسی نماید. در مجموع، این مطالعات، چارچوب نظری پیچیده‌تری از رابطه‌ی میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی ارائه می‌دهد که به شدت وابسته به زمینه‌های نهادی، فرهنگی و سطح توسعه‌یافتگی کشورها است. سرمایه اجتماعی نه تنها می‌تواند ابزار تقویت دموکراسی و رفاه باشد، بلکه در صورت نهادینه نشدن در چارچوب‌های قانونی و شفاف، ممکن است به تقویت شبکه‌های رانتی، تبعیض و فساد منجر شود. حکمرانی خوب نیز زمانی می‌تواند توسعه انسانی را ارتقاء دهد که از ظرفیت نهادی کافی، پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت اجتماعی بهره‌مند باشد.

توسعه انسانی

توسعه انسانی برای دستیابی به توسعه پایدار دارای اهمیت بنیادی است و بدون در نظر گرفتن توسعه انسانی، توسعه پایدار محقق نمی‌شود. اهمیت توسعه انسانی در این است که هم بهبود مالی و اقتصادی افراد را در نظر می‌گیرد و هم بر ارتقاء توانمندی‌های افراد، حقوق و فرصت‌های برابر برای آنها تأکید دارد. این مفهوم فراتر از رشد اقتصادی است و همه ابعاد زندگی افراد را مورد توجه قرار می‌دهد. با توجه به پیچیدگی‌ها و ابعاد گوناگون مفهوم توسعه، یافتن مقیاسی که بتواند بهترین تصویر از میزان توسعه جوامع را نشان دهد، با محدودیت‌های فراوان مواجه است. با این وجود برای مشخص کردن وضعیت توسعه کشورها نیازمند شاخص‌هایی هستیم که بتوانند با وجود محدودیت‌ها، تصویر مناسبی از جایگاه توسعه جوامع ارائه دهند. توسعه انسانی را می‌توان یکی از معیارهای سنجش توسعه کشورها در نظر گرفت. از این رو در این جا از این شاخص برای ارزیابی میزان موفقیت تلاش‌های انجام شده در مسیر تحقق توسعه در کشورهای در حال توسعه، استفاده می‌شود.

در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه انسانی به عنوان چارچوبی نوین در مطالعات توسعه، جایگزین رویکردهای سنتی مبتنی بر رشد اقتصادی صرف شده است. هدف این بخش، بررسی ابعاد نظری توسعه انسانی با تأکید بر دیدگاه‌های برجسته در این حوزه است. با توجه به چند بعدی بودن توسعه انسانی و پیچیدگی مفهوم آن، اندیشمندان مختلف تعاریف مختلفی از توسعه ارائه کرده‌اند. آمارتیا سن^۱ به عنوان یکی از پژوهشگران مطرح در باب توسعه که موفق به دریافت جایزه نوبل شده است، «توسعه را از منظر وسعت «آزادی‌های» راستین بشر که موجبات انبساط خاطر او را برآورد می‌کنند تعریف کرد. از این رو وی توسعه را در گرو رفع تنگناهای عمده در «ناآزادی‌های» موجود در نظر گرفت. فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام‌دار اجتماعی، به فراموشی سپردن خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده دولت‌های دخالت‌گر از جمله این ناآزادی‌ها است. از نظر وی، آزادی‌ها اجزای مشخصی دارند که از آنها می‌توان به برقراری ترتیبات اقتصادی-اجتماعی مانند تسهیلات آموزشی و بهداشتی، حقوق سیاسی و مدنی، آزادی‌های مشارکت در گفت‌وگوها و آرای عمومی اشاره کرد» (سن، ۱۳۹۱: ۱۱۴). بر اساس گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد (۱۹۹۰)، توسعه انسانی فرآیندی است برای گسترش دامنه انتخاب‌های انسان‌ها و توانمندسازی آنان در جهت تحقق زندگی مطلوب خویش. در این چارچوب، مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی عبارت‌اند از: برخورداری از زندگی طولانی و سالم، دسترسی به آموزش و دانش، و بهره‌مندی از سطح مناسب زندگی. افزون بر این، آزادی‌های سیاسی، حقوق بشر تضمین شده و احساس عزت‌نفس از دیگر جلوه‌های اساسی توسعه انسانی به شمار می‌روند. در این دیدگاه، درآمد و رشد اقتصادی تنها ابزارهایی برای نیل به اهداف انسانی‌اند، نه غایت توسعه. سطح رفاه یک جامعه وابسته به چگونگی استفاده از منابع و درآمد آن است، نه صرفاً به میزان آن. تجربه کشورها نشان داده است که سطح بالای درآمد لزوماً به توسعه انسانی منجر نمی‌شود و کشورهایی با درآمد متوسط نیز

می‌توانند از سطوح بالایی از توسعه انسانی برخوردار باشند. توسعه انسانی مفهومی فراگیر است که هم به فرایند شکل‌گیری قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی (نظیر سلامت و آموزش)، و هم به استفاده از این قابلیت‌ها در کار و زندگی اشاره دارد. از این رو، این مفهوم با رویکردهای سنتی همچون رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، منابع انسانی یا نیازهای اساسی تفاوت دارد. توسعه انسانی علاوه بر تأمین نیازهای مادی، بر گسترش آزادی‌ها، انتخاب‌ها و مشارکت فعال انسان‌ها در تعیین سرنوشت خویش تأکید می‌ورزد و تمامی کشورها — توسعه‌یافته و در حال توسعه — را در بر می‌گیرد (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۰: ۱۰-۱۱).

لازم به ذکر است که مفهوم توسعه انسانی با سرمایه انسانی تفاوت بنیادین دارد. در حالی که سرمایه انسانی بر افزایش مهارت‌ها و توانایی‌های افراد به عنوان ابزار رشد اقتصادی تمرکز دارد، توسعه انسانی بر گسترش دامنه انتخاب‌های واقعی انسان‌ها و افزایش آزادی‌های آنان برای دستیابی به زندگی‌ای که ارزش زیستن دارد تأکید می‌کند. در مجموع توسعه انسانی را می‌توان یک رویکرد کلیدی در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفت که از طریق آن افراد می‌توانند به ظرفیت‌های کامل خود دست یابند و به طور کارآمد در جامعه مشارکت داشته باشند. توسعه انسانی در واقع به مفهوم بهبود سطح کیفیت زندگی انسان‌ها در جهات گوناگون مانند بهداشت آموزش، درآمد و رفاه، دسترسی به فرصت‌های برابر به منابع اقتصادی و افزایش توانمندی و آزادی‌های فردی است.

در واقع برای توسعه همه‌جانبه و توانمندسازی افراد و جامعه به عواملی بیش از سرمایه‌های فیزیکی و منابع طبیعی نیازمند هستیم. در این راستا، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، بیان می‌کند «رابطه‌ای قوی و تنگاتنگ بین حکمرانی خوب، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی وجود دارد که تقویت هر ضلع این مثلث منجر به هم‌افزایی و تقویت اضلاع دیگر می‌شود و در نهایت منجر به توانمندسازی انسانی و اجتماعی می‌شود» (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۰۱: ۱۳-۱۲). در کشورهای در حال توسعه، نبود سرمایه اجتماعی، حلقه مفقود توسعه در نظر گرفته می‌شود. در دهه‌های اخیر، هنجارهایی که از بیرون نظام اقتصادی سرچشمه گرفته و بر اقتصاد اثرگذار است مورد توجه قرار گرفته است و اقتصاددانان آن را به عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر توسعه مطرح می‌کنند (از کیا و غفاری، ۱۳۹۷: ۳۸۶).

حکمرانی خوب

رویکرد حکمرانی خوب از اواسط دهه ۱۹۹۰، به دلیل نارضایتی نسبت به دیدگاه دولت حداقلی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در واقع تا قبل از دهه ۱۹۹۰، هرگاه در جوامع با دولت حداقلی، نتایج رضایت بخش حاصل نمی‌شد، بحث دولت جایگزین بازار مطرح می‌شد و هر جا که واگذاری امور به دولت نتایج دلخواه را کسب نمی‌کرد، جایگزینی بازار به جای دولت مطرح می‌شد.

حکمرانی به‌عنوان فرآیند اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور عمومی در سطوح مختلف تعریف می‌شود و شامل نهادها، سازوکارها و رویه‌هایی است که افراد و گروه‌ها از طریق آن‌ها حقوق خود را پیگیری و اختلافات را به شیوه‌ای قانونی حل می‌کنند. ویژگی‌های کلیدی حکمرانی خوب عبارت‌اند از مشارکت فعال مردم، شفافیت، پاسخگویی، عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون و اثربخشی عملکردها که تلاش می‌کند صدای اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها شنیده شود (گزارش توسعه انسانی^۱، ۱۹۹۷: ۳). این تعریف جامع از حکمرانی، اهمیت تعامل بین نهادهای مختلف و نقش شهروندان را در فرآیندهای تصمیم‌گیری برجسته می‌کند. حکمرانی خوب نه تنها به معنای وجود قوانین و مقررات منظم است، بلکه تضمین می‌کند که این قوانین به صورت عادلانه و شفاف اجرا شوند و تمامی افراد جامعه، به ویژه گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر، بتوانند در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی مشارکت کنند. همچنین، پاسخگویی و شفافیت باعث افزایش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی می‌شود که خود عاملی مهم در پایداری سیاسی و توسعه اقتصادی است. عدالت اجتماعی در این

چارچوب به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع است که به کاهش نابرابری‌ها و ارتقای رفاه عمومی کمک می‌کند. به طور کلی، حکمرانی خوب به عنوان زیربنای توسعه پایدار شناخته می‌شود که بدون آن، دستیابی به اهداف توسعه انسانی دشوار خواهد بود.

ساختار حکمرانی بر سه رکن اصلی استوار است: حکمرانی اقتصادی که بر تصمیمات اقتصادی و پیامدهای آن بر فقرزدایی و عدالت تأثیر می‌گذارد، حکمرانی سیاسی که فرآیندهای شکل‌گیری سیاست‌های عمومی را در بر می‌گیرد، حکمرانی اداری که به اجرای سیاست‌ها توسط نهادهای اجرایی می‌پردازد. حکمرانی خوب چارچوبی بنیادین برای توسعه انسانی است که نیازمند تعادل میان مشروعیت دموکراتیک، کارآمدی نهادی و عدالت اجتماعی می‌باشد. این مفهوم فراتر از نهادهای دولتی است و شامل تعامل میان دولت، جامعه مدنی و شهروندان می‌شود. نقش جامعه مدنی در ترویج حکمرانی خوب و توسعه پایدار بسیار حیاتی است و تعادل میان این سه رکن برای تحقق توسعه انسانی ضروری است (چودهاری^۱، ۲۰۲۰: ۶).

سرمایه اجتماعی

مفهوم مهمی که باید در ارتباط با توسعه انسانی مورد بررسی قرارگیرد، سرمایه اجتماعی است. به دلیل پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی در علوم مختلف، تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. از نظر پاتنام^۲ اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود. هر چقدر در حکومتی میزان اعتماد بیشتر باشد، مقدار رشد سیاسی و اجتماعی بیشتر خواهد شد (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۴). از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی در نهایت باعث همسو شدن اهداف افراد درون شبکه می‌شود. از نظر وی کیفیت سرمایه اجتماعی در صورتی بالاتر است که شبکه‌ای محکم از روابط اجتماعی متقابل را ایجاد کند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۹-۱۸). «سرمایه اجتماعی، اعتمادی است که فرهنگ یک جامعه را مشخص می‌کند و به این ترتیب به شبکه‌ها، هنجارها و اعتمادی که همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند اشاره دارد» (پاتنام، ۱۹۹۳: ۳۵). در تعریف دیگری از سرمایه اجتماعی، پوترو^۳ سرمایه اجتماعی را دارای دو مؤلفه هنجارها و اعتماد می‌داند. از نظر وی هنجارها به این دلیل که رابطه متقابل بین افراد و گروه‌ها را شکل می‌دهند، مبنای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی هستند. هنجارهای اجتماعی، دستورالعمل‌ها و مراجعی در زندگی هستند که رفتار افراد را برای شکل‌دهی روابط اجتماعی منظم و منصفانه تعریف می‌کنند. از نظر وی، بدون هنجارها، زندگی اجتماعی از هم گسیخته می‌شود. عنصر بعدی در سرمایه اجتماعی، اعتماد است. اعتماد در طول زمان و از طریق تعاملات مستمر، توسعه می‌یابد. اعتماد یک رابطه سودمند متقابل بین طرفین ایجاد می‌کند. بنابراین وجود اعتماد نشان می‌دهد که افراد و اعضای گروه در توسعه شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر تعامل و همکاری دارند (پوترو و همکاران، ۲۰۲۲: ۴۱۵-۴۱۴).

نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای توسعه انسانی

نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای توسعه انسانی، موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه گسترده‌ای را در حوزه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به خود جلب کرده است. با گذر از رویکردهای سنتی که توسعه را صرفاً معادل رشد اقتصادی می‌دانستند، امروزه شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری جامع‌تر و انسانی‌تر برای سنجش پیشرفت جوامع مطرح شده است. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی کلیدی شناخته می‌شود که با تسهیل جریان اطلاعات، تقویت اعتماد متقابل و افزایش مشارکت‌های اجتماعی، زمینه‌ساز خلق ثروت، رفاه و ارتقای کیفیت زندگی افراد است.

پاتنام تفکیکی بین دو صورت اولیه سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و درون‌گروهی (انحصاری) ایجاد می‌کند. «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی کارکردش این است که هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و

1. Deepak Chaudhary

2. Robert D. Putnam

3. Hendra Putra

باعث حفظ همگنی می‌شود. سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد. هر کدام از این صورت‌ها می‌تواند در پاسخ به نیازهایی مفید باشد. به این ترتیب که سرمایه اجتماعی درون گروهی برای بهبود تعاملات خاص و انتقال همبستگی مفید است و همچنین در نقش یک نوع چسب قوی جامعه‌شناختی برای حفظ وفاداری درون گروهی و تقویت هویت‌های مشخصی عمل کند. پیوندهای ارتباط دهنده، برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات کارکرد دارند و یک بینش اجتماعی فراهم می‌آورند که هویت‌ها و تعاملات وسیع‌تری را به وجود آورد» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۲-۲۱).

این تفکیک نشان‌دهنده نقش دوگانه سرمایه اجتماعی است؛ از یک سو انسجام و همبستگی درون گروهی را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، با ایجاد پیوندهای ارتباط دهنده، امکان توسعه شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی و دسترسی به منابع و اطلاعات متنوع را فراهم می‌آورد. این دو جنبه مکمل یکدیگرند و هر یک در شرایط خاص می‌تواند به بهبود تعاملات اجتماعی و اقتصادی کمک کند. محققان^۱ استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی، قدرت سرمایه انسانی، نوآوری و دانش را از طریق بهبود اشتراک‌گذاری اطلاعات مذاکره و حکمرانی تقویت می‌کند. این تقویت سرمایه انسانی از طریق اشتراک کیفیت و کمیت روابط غیر اجتماعی رخ می‌دهد که از طریق آن افراد به منابع بیشتری که توسط افراد و گروه‌های دیگر در دسترس قرار می‌گیرد، دسترسی پیدا می‌کنند (بالیان^۲، ۲۰۲۳: ۱۹۹۹). این دیدگاه بر اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان بستری برای تبادل دانش و ارتقای قابلیت‌های فردی و جمعی تأکید دارد. شبکه‌های اجتماعی قوی، زمینه‌ساز جریان آزاد اطلاعات و نوآوری هستند که در نهایت به افزایش کارایی و بهره‌وری سرمایه انسانی منجر می‌شوند.

سرمایه اجتماعی از یک طرف خود بر توسعه اثرگذار است و از سوی دیگر خود با پیشرفت توسعه، افزایش می‌یابد. از این رو می‌توان یک رابطه دو سویه بین سرمایه اجتماعی و توسعه تعریف کرد. شکل‌گیری محیطی توانمندساز برای توسعه انسانی پایدار، صرفاً به وجود حکمرانی مطلوب و نقش‌آفرینی اقتصادی بخش خصوصی محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند حضور فعال و اثربخش نهادهای جامعه مدنی نیز هست؛ نهادهایی که با تسهیل تعاملات اجتماعی و سیاسی، زمینه مشارکت گسترده‌تر جامعه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی را فراهم می‌سازند (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۷: ۹). این رابطه دو سویه، بر اهمیت تقویت نهادهای جامعه مدنی و حکمرانی خوب به عنوان زیربنای توسعه پایدار تأکید می‌کند. حضور فعال جامعه مدنی، زمینه‌ساز مشارکت فراگیر و افزایش سرمایه اجتماعی است که خود به نوبه خود توسعه انسانی را تسریع می‌کند. سرمایه اجتماعی از طریق بهبود اشتراک‌گذاری اطلاعات، ایجاد اعتماد متقابل و کمک به برقراری دموکراسی، بر توسعه انسانی اثرگذار است. با افزایش جریان اطلاعات، افراد بیشتری می‌توانند به دانش و اطلاعات دسترسی داشته باشند. این فرآیند موجب رشد نوآوری در سطح جامعه می‌شود و از آنجا که ارتقای دانش یکی از مؤلفه‌های توسعه انسانی است، سرمایه اجتماعی نقش کلیدی در این زمینه ایفا می‌کند. همچنین، سرمایه اجتماعی با ارتقای سطح اعتماد میان افراد، به تقویت همکاری و تعامل درون شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند. این امر نه تنها به تبادل دانش و اطلاعات می‌انجامد، بلکه دسترسی به منابع سایر گروه‌ها را نیز تسهیل می‌نماید. سرمایه اجتماعی با افزایش مشارکت افراد در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش پاسخگویی حکومت و بهبود دموکراسی می‌شود.

ارتباط سرمایه اجتماعی و کیفیت حکمرانی خوب

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی یک هنجار غیررسمی است که همکاری بین افراد را ارتقا می‌دهد. در حوزه اقتصادی هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد و در حوزه سیاسی نوعی زندگی جمعی را که برای موفقیت دولت و دموکراسی مدرن ضروری است، ترویج می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی محصول جانبی مذهب، سنت، تجربه مشترک تاریخی و انواع دیگر

1. Glanville & Bienenstock, 2009; Gannon and Roberts, 2018; Sawhill, 2020

2. Balian

هنجارهای فرهنگی است. بنابراین، در حالی که آگاهی از سرمایه اجتماعی اغلب برای درک توسعه حیاتی است، تولید آن از طریق سیاست عمومی دشوار است (فوکویاما، ۲۰۰۱: ۷). در ارتباط با اثرات سرمایه اجتماعی در ایجاد حکمرانی خوب، بوکس و پوسنر^۱ (۱۹۹۶) پنج سناریو را که نشان دهنده کارکرد سرمایه اجتماعی است معرفی می‌کنند. سناریوی اول آن‌ها نشان می‌دهد که اثربخشی نهادهای سیاسی بر توانایی شهروندان برای پاسخگو کردن نمایندگان دولتی در مقابل تصمیماتشان وابسته است (بوکس و پوسنر، ۱۹۹۶: ۱۰-۹). در این راستا، شبکه‌های انجمن‌های داوطلبانه این امکان را فراهم می‌آورند که مردم خواسته‌های خود را بیان کنند و حکمرانی خوب را تقویت می‌کنند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی که شهروندان را به «مصرف کنندگان پیچیده سیاست» تبدیل کند، تا حدی باعث ایجاد حکمرانی خوب می‌شود. سناریوی دوم استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی ممکن است باعث تغییر ذهنیت در شهروندان شود و افراد ارزش بیشتری برای موضوعات «جامعه محور» به جای منافع شخصی قائل باشند. سناریوی سوم نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی هزینه‌های دولت را برای اجرای مقررات، کاهش می‌دهد، زیرا هنجارهای عمل متقابل باعث می‌شود شهروندان تمایل بیشتری داشته باشند تا از مقررات پیروی کنند. در سناریوی چهارم، سرمایه اجتماعی همکاری بوروکرات‌ها و نخبگان سیاسی را تقویت کرده و باعث کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و کارآمدتر شدن نهادهای سیاسی می‌شود (بوکس و پوسنر، ۱۹۹۸: ۶۹۲-۶۹۰). در نتیجه، نهادهای سیاسی کارآمدتر و پاسخگوتر می‌شوند. هرچه رفتارهای فرصت‌طلبانه کاهش یابد، منافع جمعی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در سناریو آخر، آنها بیان می‌کنند سرمایه اجتماعی، بین شکاف‌های اجتماعی مانند پل عمل می‌کند و شیوه‌های سازگاران‌های را در قالب نهادهای اجتماعی، بین جوامع ایجاد می‌کند (بوکس و پوسنر، ۱۹۹۶: ۱۱). در حالی که سرمایه اجتماعی معمولاً به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ارتقای اعتماد، مشارکت اجتماعی و انسجام مدنی شناخته می‌شود، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که این پدیده می‌تواند دارای پیامدهای منفی نیز باشد. بررسی جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی برای فهم عمیق‌تر نقش آن در فرآیندهای حکمرانی ضروری است. فوکویاما اشاره می‌کند که گروه‌هایی که دارای سرمایه اجتماعی هستند، دارای شعاع معینی از اعتماد هستند. اگر سرمایه اجتماعی یک گروه اثرات بیرونی مثبتی ایجاد کند، شعاع اعتماد می‌تواند بزرگتر از خود گروه باشد، اما ممکن است در برخی موارد، شعاع اعتماد تنها محدود به اعضای گروه باشد. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش همکاری با افراد خارج از گروه و حتی ایجاد اثرات منفی بیرونی شود. این اثرات منفی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، علاوه بر مزایای خود، می‌تواند در برخی شرایط به تضعیف حکمرانی خوب و تقویت فساد منجر شود (فوکویاما، ۲۰۰۱: ۸). یافته‌های فوکویاما نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش دوگانه‌ای در حکمرانی ایفا کند. در جوامعی که سرمایه اجتماعی تنها به گروه‌های محدود و درون‌گروهی مانند خانواده و خویشاوندان محدود است، اعتماد به غریبه‌ها کاهش می‌یابد و این مسئله می‌تواند موجب شکل‌گیری الگوهای رفتاری شود که فساد و رانت‌جویی را به‌عنوان ابزاری برای حمایت از منافع خانوادگی توجیه کند. هنجارهای فرهنگی و نوع سرمایه اجتماعی موجود در جامعه می‌تواند به‌طور ضمنی فساد را مشروع کند. حتی اگر نهادهای حکمرانی به‌درستی طراحی شوند، نبود هنجارهای اخلاقی عمومی در میان مسئولان ممکن است به ناکارآمدی این نهادها منجر شود.

فروپاشی جمهوری وایمار^۲ یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین رویدادهای تاریخ سیاسی مدرن است که علل آن در علم سیاست به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین آثار در این زمینه مقاله برمن است. برمن دیدگاه‌های سنتی درباره جامعه مدنی و نقش آن در حمایت از نهادهای دموکراتیک را به چالش می‌کشد. در دیدگاه برمن، توسعه سیاسی آلمان در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم نشان می‌دهد که در غیاب نهادینه‌سازی سیاسی مؤثر، حتی شکوفایی زندگی انجمنی می‌تواند به جدایی و بی‌ثباتی اجتماعی بینجامد. برمن، فروپاشی جمهوری وایمار را نتیجه شکوفایی بی‌قاعده جامعه مدنی در غیاب نهادهای سیاسی مستحکم می‌داند. برمن نشان می‌دهد که در آلمان میان دو جنگ جهانی،

1. Carles Boix and Daniel N. Posner

2. Weimarer Republik

زندگی انجمنی پررونق به جای تقویت دموکراسی، بستر بسیج نیروهای اقتدارگرا مانند حزب نازی را فراهم کرد. برخلاف دیدگاه‌های نئوتوکویلی^۱، برمن تأکید می‌کند که جامعه مدنی تنها در صورت وجود چارچوب سیاسی نهادینه و دموکراتیک می‌تواند به پایداری دموکراسی کمک کند؛ در غیر این صورت، ممکن است به تضعیف آن بینجامد (برمن، ۱۹۹۷: ۴۰۲). شکوفایی جامعه مدنی بدون وجود نهادهای سیاسی قوی و پاسخگو می‌تواند به تضعیف دموکراسی منجر شود. نهادینه‌سازی سیاسی، پیش شرط ضروری برای کارکرد مثبت جامعه مدنی است و بدون آن، بی‌اعتمادی اجتماعی و ناتوانی در تحقق منافع جمعی گسترش می‌یابد.

در جوامعی که پلیس و دستگاه قضایی از اعتماد عمومی برخوردار نیستند، مردم ناچار به تکیه بر روابط شخصی و شبکه‌های محدود می‌شوند؛ اما این نوع اعتماد، قابل تعمیم به سطح عمومی جامعه نیست. در این شرایط، نظام‌های اداری ناعادلانه و فاسد، معمولاً با سطح پایینی از سرمایه اجتماعی همراه‌اند، به‌ویژه زمانی که سرمایه اجتماعی بر اساس اعتماد تعمیم‌یافته سنجیده شود. نهادهای قانونی، نقش کلیدی در شناسایی و مجازات متخلفان دارند. اگر شهروندان این نهادها را کارآمد، عادل و بی‌طرف بدانند، احتمال بیشتری دارد که باور کنند اغلب مردم قابل اعتمادند. با این حال، ساخت اعتماد نیازمند زمان و ثبات نهادی است، در حالی که از بین رفتن آن سریع‌تر و آسان‌تر اتفاق می‌افتد (رودستین و استوله، ۲۰۰۸: ۴۴۵).

بررسی ارتباط حکمرانی خوب و توسعه انسانی

رابطه میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی، علی‌رغم اهمیت بنیادین آن در مطالعات توسعه، همچنان با ابهام‌ها و پیچیدگی‌هایی نظری همراه است. در حالی که بسیاری از مطالعات کمی میان‌کشوری بر رابطه مثبت این دو تأکید دارند، بررسی‌های نهادی و مقایسه‌ای نشان می‌دهند که این رابطه لزوماً خطی یا همیشگی نیست. به عبارت دیگر، پیش فرضی که بر اساس آن حکمرانی خوب به‌طور خودکار منجر به ارتقاء توسعه انسانی می‌شود، در همه موارد صادق نیست (گریندل^۲، ۲۰۰۷: ۵۵۹-۵۵۸). نورث^۳ دیدگاه ظریف‌تری را در ارتباط با توسعه مطرح می‌کند و از زاویه‌ای متفاوت به بررسی مفهوم توسعه می‌پردازد. وی نظریات کنونی توسعه را مانند حکمرانی خوب، سیاست‌های تعدیل و حتی بهبود محیط کسب و کار، ویرانگر و نادرست می‌داند. به این دلیل که سیاست‌های تعدیل ساختاری و حکمرانی خوب از نظر وی الگوبرداری نادرستی از اقتصادهای پر درآمد است (نورث، ۱۳۹۶: ۱۲). چنین الگوبرداری بدون توجه به زمینه‌های نهادی کشورهای در حال توسعه می‌تواند نه تنها با شکست مواجه شود بلکه دستیابی به توسعه را دشوارتر سازد.

اگرچه مفاهیمی مانند شفافیت، پاسخگویی، مشروعیت و حاکمیت قانون از اصول مهم حکمرانی خوب به شمار می‌روند، اما تأثیر مستقیم این عوامل بر کاهش فقر همچنان موضوعی قابل بحث است. کشورهای کم‌درآمد با مشکلات فوری و متعددی روبرو هستند که نیازمند اولویت‌بندی دقیق می‌باشند. علاوه بر مسائل حکمرانی، بسیاری از کشورهای آفریقایی با چالش‌هایی همچون تروریسم، فقر گسترده، رشد سریع جمعیت، قحطی، جنگ‌های داخلی، شیوع بیماری ایدز، ناامنی و درگیری‌های مسلحانه دست به گریبان‌اند. بدون پرداختن به این مشکلات اساسی، هرگونه برنامه توسعه‌ای، از جمله اصلاحات حکمرانی خوب، ممکن است نتواند به نتایج مطلوب در این کشورها منجر شود (آدجومو-آبیوو، ۲۰۱۶: ۲۱).

این عدم قطعیت، بسیاری از پژوهشگران را به بازاندیشی درباره مسیرهای جایگزین توسعه سوق داده است. برای مثال، تجربه چین یکی از چالش‌های مهم در برابر الگوهای کلاسیک حکمرانی-محور است. چین بدون توسعه سیاسی لیبرال و بدون دموکراتیزه کردن ساختارهای حکمرانی، موفق شده شاخص‌های کلیدی توسعه انسانی نظیر آموزش، سلامت و کاهش

۱. نئوتوکویلی‌ها (Neo-Tocquevilleans) به نظریه‌پردازانی در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی گفته می‌شود که با الهام از اندیشه‌های الکسی دو توکویل، جامعه مدنی را عامل کلیدی در پایداری دموکراسی می‌دانند. آنان بر این باورند که مشارکت در انجمن‌ها و نهادهای داوطلبانه موجب افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت نهادهای دموکراتیک می‌شود.

2. Merilee S. Grindle
3. Douglass C. North

فقر را بهبود دهد. چیان^۱ (۲۰۰۳) این موفقیت را نه حاصل حکمرانی دموکراتیک، بلکه نتیجه اصلاحات تدریجی، ایجاد مشوق‌های محلی و ظرفیت بالای اجرایی در سطح دولت محلی می‌داند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی اثربخش الزاماً با دموکراسی سیاسی هم‌معنا نیست. هر یک از ارکان حکمرانی (شامل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) نقش ویژه‌ای در پیشبرد توسعه انسانی پایدار ایفا می‌کنند. در نظام‌هایی که مبتنی بر انتخابات و مشارکت سیاسی هستند، دولت از دو بخش اصلی، یعنی حاکمیت منتخب و ساختار اجرایی تشکیل شده است. دولت در این ساختار نه تنها به‌عنوان پایه‌گذار قرارداد اجتماعی و تعریف‌کننده رابطه بین فرد و جامعه عمل می‌کند، بلکه مرجع مشروع اعمال قدرت، تأمین‌کننده خدمات عمومی و فراهم‌آورنده بسترهای لازم برای رشد و شکوفایی انسانی نیز هست.

تحقق این نقش توانمندساز، مستلزم آن است که دولت چارچوب‌های حقوقی و نهادی‌ای برقرار سازد که از ثبات، کارآمدی و عدالت برخوردار باشند و بتوانند فعالیت‌های عمومی و خصوصی را در راستای منافع جمعی هدایت کنند. این چارچوب‌ها باید ضمن حمایت از پویایی بازار و تضمین عدالت اجتماعی، بستر ارائه خدمات عمومی شفاف، پاسخ‌گو و مؤثر را نیز مهیا سازند. با این حال، ایفای این نقش‌های اساسی همواره با چالش‌هایی مواجه است که نیازمند تقویت ظرفیت‌های نهادی و بازنگری در شیوه‌های حکمرانی است. (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۷: ۵). در پاسخ به این مشکلات، برخی پژوهشگران مفهوم «نهادینه‌سازی» را به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در حکمرانی مؤثر معرفی کرده‌اند. تاندون^۲ تأکید می‌کند که نهادینه‌سازی، فراتر از طراحی اولیه سیاست‌ها، به معنای تثبیت آن‌ها در فرآیندهای بوروکراتیک، تثبیت هنجارها و نهادسازی پایدار است. در حوزه سلامت، این فرآیند می‌تواند پایداری سیاست‌ها، انسجام خدمات و پاسخ‌گویی نهادها را تضمین کند و مسیر توسعه انسانی را هموار سازد (تاندون، ۲۰۲۳: ۸).

فرضیه‌ها

- ۱- فرضیه اول: حکمرانی خوب بر توسعه انسانی اثر مثبت و معناداری دارد؛ به‌گونه‌ای که بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی (شامل کارآمدی دولت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد) موجب ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی می‌شود.
- ۲- فرضیه دوم: اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب مثبت و معنادار است؛ بدین معنا که افزایش اعتماد اجتماعی، شبکه‌های همکاری و مشارکت مدنی در سطح ملی، می‌تواند کیفیت حکمرانی و عملکرد نهادهای عمومی را بهبود بخشد.
- ۳- فرضیه سوم: سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی مثبت و معنادار است؛ به‌گونه‌ای که سرمایه اجتماعی از طریق تقویت همکاری، اعتماد و حمایت اجتماعی، زمینه‌ساز بهبود آموزش، سلامت و رفاه انسانی می‌شود.
- ۴- فرضیه چهارم: حکمرانی خوب نقش میانجی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی ایفا می‌کند؛ بدین معنا که اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی تا حدی از مسیر بهبود کیفیت حکمرانی منتقل می‌شود.

با توجه به مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش، مدل مفهومی این مطالعه بر پایه رویکرد نهادگرایی جدید و نظریه توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد طراحی شده است. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از منابع نامشهود توسعه، از طریق ارتقای اعتماد متقابل، انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود کیفیت حکمرانی و در نهایت افزایش سطح توسعه انسانی شود. بر این اساس، حکمرانی خوب در این مدل به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است که اثرات سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی را تسهیل و منتقل می‌کند. از منظر نظری، سرمایه اجتماعی موجب تقویت پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت شهروندان و کاهش فساد می‌شود؛ عواملی که از دیدگاه بانک جهانی و برنامه توسعه ملل متحد از ارکان اصلی حکمرانی خوب به‌شمار می‌روند. در نتیجه، بهبود کیفیت حکمرانی می‌تواند به ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی، از جمله آموزش، سلامت و استاندارد زندگی، منجر شود.

1. Yingyi Qian

2. Ajay Tandon

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق از نوع توصیفی و کمی است. داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع اطلاعاتی و پایگاه داده‌های اینترنتی بانک جهانی، وب سایت رسمی پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ و گزارش‌های رسمی منتشرشده توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش کشورهای منتخب خاورمیانه که شامل ایران، لبنان و پاکستان است، می‌باشد. انتخاب کشورهای مورد مطالعه خاورمیانه با توجه به موجود بودن داده‌ها، هم منطقه بودن و پیشینه تاریخی قبیله‌ای بودن است. داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در این گروه از کشورها بسیار ناقص است و یا موجود نیست. از سوی دیگر این کشورها دارای سطوح و الگوهای مختلفی از حکمرانی، ثبات سیاسی و ساختارهای نهادی هستند. لبنان ساختار قومی-طایفه‌ای خاصی دارد که در آن نهادها به شدت متاثر از نظام تقسیم قدرت هستند. پاکستان دارای ترکیب خاصی از نهادهای مدنی، نظامی و مذهبی است. این تنوع، امکان تحلیل تطبیقی را فراهم می‌سازد. در ارتباط با داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، از میان سه نوع شاخص قابل انتخاب در این پایگاه (پاسخ پرتکرار، درصد پاسخ و شاخص محاسبه‌شده)، گزینه پاسخ پرتکرار به منظور هم‌ترازی مقیاس داده‌ها با سایر متغیرهای پژوهش انتخاب گردیده است. این داده‌ها در سطح کشورها برای هر پرسش یک گزینه انتخاب شده است و در نرم‌افزار SPSS پس از مناسب‌سازی به متغیرهای رتبه‌ای (ordinal) تبدیل شدند. از آنجا که هدف پژوهش حاضر تحلیل در سطح ملی و بین‌کشوری است، استفاده از این نوع داده‌های تجمیعی متناسب با هدف مطالعه می‌باشد. فایده‌های داده با داده‌های بانک جهانی و شاخص توسعه انسانی بر اساس شناسه کشور و سال ادغام شد و در موارد عدم هم‌زمانی، به دلیل تغییرات تدریجی سرمایه اجتماعی، نزدیک‌ترین سال در دسترس انتخاب گردید تا مدل‌سازی در سطح کشور انجام گیرد. بانک جهانی کیفیت حکمرانی را بر اساس شش شاخص برای کشورهای مختلف تعریف کرده است که داده‌های آن از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ در دسترس قرار دارد.^۲ همه اطلاعات مربوط به این شش شاخص از داده‌های اطلاعاتی بانک جهانی با عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI)^۳ در دسترس قرار دارد. این شاخص‌ها شامل: حق اظهار نظر و پاسخگویی^۴، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۵، کارایی و اثربخشی دولت^۶، کیفیت قوانین و مقررات^۷، حاکمیت قانون^۸ و کنترل فساد^۹، بانک جهانی کیفیت حکمرانی را بر اساس شش شاخص برای کشورهای مختلف تعریف کرده است که داده‌های آن از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ در دسترس قرار دارد. برای متغیر سرمایه اجتماعی از شاخص پیمایش ارزش‌های جهانی^{۱۰} استفاده شده است. برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های آن یعنی اعتماد تعمیم یافته، عضویت در انجمن‌ها و اعتماد نهادی استفاده شده است. مقادیر این مؤلفه‌ها در گویه‌های پرسشنامه ارزش‌های جهانی به دست آمده است.

شاخص توسعه انسانی بر اساس گزارش UNDP، استخراج شده است و بر اساس سه بعد اصلی شامل آموزش، سلامت و درآمد محاسبه شده است. برای بعد آموزشی، از میانگین دو شاخص «میانگین سال‌های تحصیل» و «سال‌های مورد انتظار تحصیل» استفاده گردید. داده‌های مربوط به این دو شاخص از پایگاه داده رسمی برنامه توسعه سازمان ملل متحد برای دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ و بر اساس نسخه بازمحاسبه‌شده استخراج شده است. در بعد درآمدی، از شاخص «درآمد ناخالص ملی سرانه»^{۱۱} به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۲۱ و بر حسب برابری قدرت خرید استفاده شد. استفاده از قیمت‌های ثابت، امکان

1. World Values Survey (WVS)
2. <https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>
3. World Governance Indicators
4. Voice and accountability
5. Political stability and absence of violence
6. Government Effectiveness
7. Regulatory quality
8. Rule of law
9. Control of corruption
10. World Values Survey (WVS)
11. GNI per Capita

مقایسه‌پذیری زمانی داده‌ها را تضمین می‌کند و از تأثیر نوسانات تورمی و تغییرات نرخ ارز جلوگیری می‌نماید. انتخاب این متغیرها منطبق با آخرین چارچوب مفهومی و روش‌شناختی گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل بوده و از یکنواختی و مقایسه‌پذیری بین دوره‌های برخوردار است. نشان دادن صحت فرضیه‌های این مطالعه دارای پیچیدگی‌های زیادی است. تعیین عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی، به دلیلی ماهیت موضوع و محدودیت‌های آماری دشوار به نظر می‌رسد. همچنین به دلیل نرمال نبودن آمار متغیرهای مدل و محدودیت آماری، به نظر می‌رسد معادلات ساختاری (SEM)^۱ روش مناسب‌تری برای برآورد روابط بین متغیرهای مورد مطالعه است. حداقل مربعات جزئی (PLS)^۲، مدل معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس است. توانایی این رویکرد در کار با داده‌های اندک، عدم حساسیت به نرمال بودن داده‌ها، توانایی در پیش‌بینی و پشتیبانی از مدل‌های بسیار پیچیده است (هیر^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۷). در روش مدل‌سازی معادله ساختاری متغیرهایی که به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند و به‌عنوان سازه‌های فرضی شناخته می‌شوند. متغیر پنهان^۴ نامیده می‌شود. متغیر پنهان به طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود. با مقادیر متغیرهای اندازه‌گیری شده، می‌توان مقدار متغیر پنهان را مشخص کرد (بردنز و ابات^۵، ۲۰۱۳: ۴۹۵). مدل انتخابی این مطالعه با توجه به اثرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم، از طریق حکمرانی خوب، مدل میانجی‌گری جزئی^۶ است.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

پس از برآورد اولیه مدل، گویه‌های معنادار شناسایی و گویه‌هایی که دارای بار عاملی منفی یا کمتر از ۰/۴ بودند، از مدل حذف شدند. فهرست گویه‌های منتخب مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی در کشورهای مختلف، در جدول (۱) ارائه شده است. همچنین در هر کشور، گویه‌های نهایی سازه‌های حکمرانی خوب و توسعه انسانی، بر پایه بار عاملی بالاتر از ۰/۴ و با توجه به معناداری آماری آن‌ها انتخاب شده‌اند. با این حال، در راستای حفظ انسجام مفهومی مدل و با اتکا به اهمیت نظری گویه‌ها، برخی گویه‌هایی که دارای بار عاملی بین ۰/۴ تا ۰/۷ بودند نیز در مدل باقی مانده‌اند.

جدول شماره (۱): سؤالات گویه‌های سرمایه اجتماعی

گویه‌ها	به سازمان‌های نامبرده شده تا چه حد اعتماد دارید؟	بسیار زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلا
۱۴۷	اعتماد به کلیسا و سایر نهادهای مذهبی					
۱۴۸	اعتماد به ارتش					
۱۴۹	اعتماد به مطبوعات					
۱۵۰	اعتماد به تلویزیون					
۱۵۱	اعتماد به اتحادیه‌های کارگری					
۱۵۲	اعتماد به پلیس					
۱۵۳	اعتماد به حکومت					
۱۵۴	اعتماد به احزاب					
۱۵۵	اعتماد به پارلمان					

منبع: پیمایش ارزش‌های جهانی

1. Structural Equation Modeling
2. PLS (Partial Least Square)
3. Joseph F. Hair
4. latent variable
5. Bordens, Kenneth S and Abbott, Bruce B
6. Partial Mediation Model

ضرایب مسیر (β)

ضریب مسیر، مقدار اثر متغیر ۱ بر متغیر ۲ را نشان می‌دهد و با نماد β_{ij} نمایش داده می‌شود. اگر این مقدار منفی باشد یعنی رابطه معکوس است و اگر مثبت باشد این رابطه مستقیم است. مقدار ضریب مسیر بین ۱ و -۱ است و هر چه قدر مطلق این مقدار بزرگتر باشد نشان می‌دهد تاثیر قوی‌تر است. اگر مقدار ضریب مسیر مثبت باشد، نشان‌دهنده رابط مستقیم بین دو سازه است و اگر منفی باشد، نشان‌دهنده رابطه غیرمستقیم بین دو سازه است (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۱). نتایج ضرایب مسیر در جدول (۲) نشان داده شده است. تفسیر نتایج برای هر کشور به صورت مجزا در قسمت‌های بعدی آورده شده است.

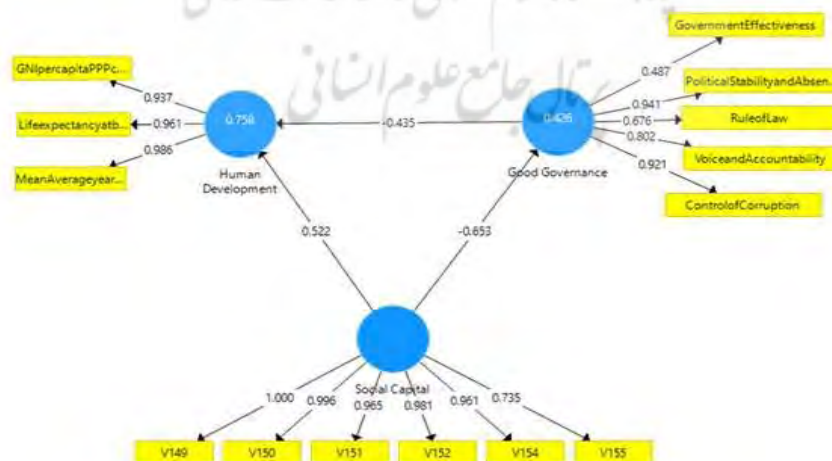
جدول شماره (۲): ضرایب مسیر

نام کشور	متغیرهای پنهان (سازه)	ضرایب مسیر
ایران	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	-۰/۴۳۵
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	-۰/۶۵۳
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۵۲۲
لبنان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	-۰/۵۲۹
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	-۰/۸۲۸
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۲۴۶
پاکستان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	۰/۳۱۳
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۷۳۷
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۶۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج مدل در کشور ایران

نتایج برآورد مدل برای کشور ایران در شکل (۱) نشان داده شده است. با توجه به معنا داری و نتایج مدل، گویه‌های مورد استفاده در کشور ایران گویه‌های ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴ و ۱۵۵ از پرسشنامه پیمایش ارزش‌های جهانی است که به ترتیب شامل اعتماد به مطبوعات، تلوزیون، اتحادیه‌های کارگری، پلیس، احزاب و پارلمان است.



شکل شماره (۱): نتایج مدل برای کشور ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج این مدل نشان‌دهنده سه رابطه کلیدی است:

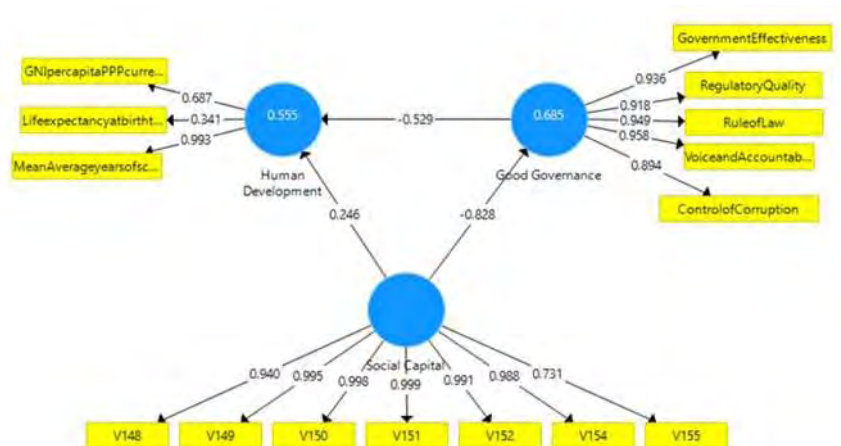
- ✓ رابطه منفی بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی.
- ✓ رابطه منفی و نسبتاً قوی بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی.
- ✓ رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی.

بررسی وضعیت ایران نشان می‌دهد شاخص‌های حکمرانی خوب طی دو دهه تضعیف شده‌اند، در حالی که مؤلفه‌های توسعه انسانی—به‌ویژه آموزش و سلامت—اندکی بهبود یافته‌اند. این وضعیت، برخلاف انتظار نظری، سبب ایجاد رابطه منفی میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی شده است. یکی از دلایل، تأثیر مستقیم سیاست‌های اجتماعی و بهداشتی بر بهبود شاخص‌هایی مانند امید به زندگی و میانگین سال‌های تحصیل است؛ به‌گونه‌ای که حتی در شرایط ضعف ساختاری حکمرانی، این سیاست‌ها توانسته‌اند بخشی از توسعه انسانی را تقویت کنند. رشد دسترسی به خدمات درمانی، افزایش دانشگاه‌ها و گسترش ارتباطات و تکنولوژی نیز نقش حمایتی داشته‌اند. اما در همین دوره، ضعف عملکرد نهادهای رسمی، ناکارآمدی مدیریتی، تورم، نوسانات شدید اقتصادی و افزایش نارضایتی اجتماعی موجب کاهش اعتماد عمومی شده است. افزایش سطح آگاهی و مطالبه‌گری، همراه با پاسخ‌گو نبودن نهادها، اعتماد به حکومت را کاهش داده و به تقویت روابط اجتماعی غیررسمی انجامیده است. این امر رابطه منفی میان حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی را توضیح می‌دهد. این الگو با تحلیل چیان (۲۰۰۳) هم‌خوان است که نشان داد بهبود توسعه انسانی لزوماً وابسته به نهادهای دموکراتیک کلاسیک یا سطح بالای سرمایه اجتماعی نیست، و ممکن است برخی مؤلفه‌های توسعه در غیاب حکمرانی مؤثر نیز بهبود یابند. همچنین یافته‌های این بخش با تحلیل برمن (۱۹۹۷) نیز قابل تبیین است. او در مطالعه جمهوری وایمار نشان می‌دهد که وقتی نهادهای رسمی در برابر مطالبات اجتماعی ناکارآمد می‌شوند، گسترش جامعه مدنی الزاماً نشانه تقویت دموکراسی نیست، بلکه می‌تواند بیانگر افزایش شکاف میان جامعه و حکومت باشد. مشابه این فرایند در ایران نیز قابل مشاهده است: افزایش آگاهی و مطالبات، همراه با ضعف پاسخ‌دهی، موجب کاهش مشروعیت سیاسی و تضعیف حکمرانی خوب شده و در نتیجه رابطه میان حکمرانی و سرمایه اجتماعی جهت منفی یافته است (برمن، ۱۹۹۷: ۴۱۳). در این شرایط، سرمایه اجتماعی افقی—شامل روابط میان مردم و گروه‌های غیررسمی—تقویت شده، اما سرمایه اجتماعی عمودی—اعتماد به نهادهای حکومتی—کاهش یافته است. این تحول سبب شده سرمایه اجتماعی بتواند بخشی از خلأ ناشی از ضعف حکمرانی را جبران کند و از طریق افزایش آگاهی، مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های مدنی و شبکه‌های ارتباطی، تأثیر مثبتی بر توسعه انسانی بگذارد. در نتیجه، مدل نشان می‌دهد توسعه انسانی در ایران بیشتر از مسیر سرمایه اجتماعی افقی و تحولات اجتماعی پایین به بالا تقویت شده است، نه از طریق اصلاحات حکمرانی یا تقویت نهادهای رسمی.

نتایج مدل در کشور لبنان

نتایج برآورد مدل برای لبنان در شکل (۲) ارائه شده است. گویه‌های استفاده‌شده شامل شماره‌های ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴ و ۱۵۵ از پیمایش ارزش‌های جهانی هستند. از میان گویه‌های حکمرانی خوب، گویه‌های مربوط به ثبات سیاسی و نبود خشونت به علت بار عاملی منفی حذف شدند. داده‌ها نشان می‌دهد شاخص‌های حکمرانی خوب طی دوره بررسی تضعیف شده‌اند، اما میزان اعتماد نهادی تا حدی افزایش یافته است. در مقابل، اعتماد به افراد جدید و نهادهای مذهبی کاهش یافته و به دلیل بار منفی از مدل کنار گذاشته شده‌اند؛ همچنین گویه اعتماد به حکومت به دلیل نبود پاسخ کافی حذف شده است.

داده‌های توسعه انسانی لبنان نیز نشان می‌دهد این کشور در مجموع بهبود قابل‌توجهی نداشته است. میانگین سال‌های تحصیل از حدود ۹ به ۱۰ سال رسیده، رفاه اندکی افزایش یافته، و امید به زندگی ابتدا رشد کرده و سپس کاهش یافته است. به‌دلیل محدودیت‌های داده‌ای، برآورد مدل برای دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ انجام شده است.



شکل شماره (۲): نتایج مدل برای کشور لبنان

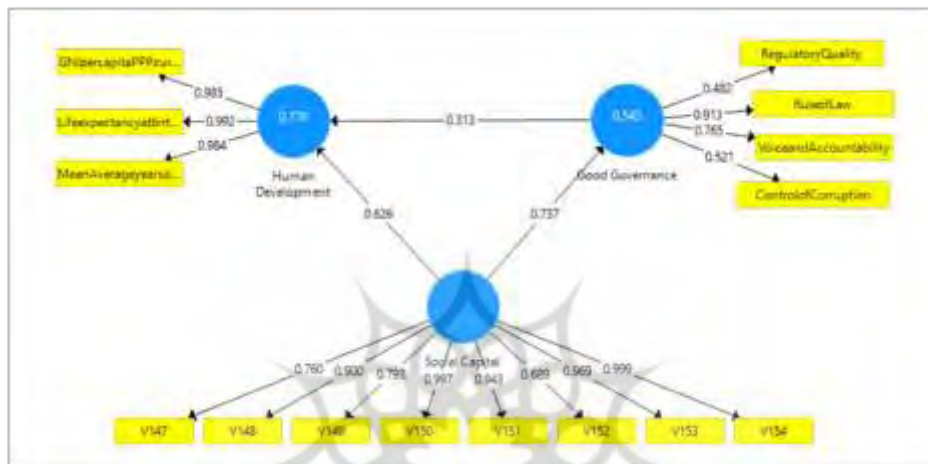
منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد با وجود افزایش اعتماد به برخی نهادها، شاخص‌های حکمرانی خوب تضعیف شده‌اند. پیمایش ارزش‌های جهانی نشان می‌دهد اعتماد به احزاب سیاسی، رسانه‌ها و نهادهای نظامی افزایش یافته است، اما اعتماد به دولت و نهادهای رسمی به دلیل فساد و ناکارآمدی کاهش یافته است. در لبنان، ارتش و برخی نهادهای سیاسی به عنوان جایگزینی برای یک حکومت ناکارآمد تلقی می‌شوند، نه نشانه‌ای از تقویت حکمرانی. در مقابل، اعتماد به نهادهای مذهبی و اعتماد بین‌فردی کاهش یافته که بیانگر افت همبستگی اجتماعی است. بنابراین بخشی از سرمایه اجتماعی لبنان بیشتر در خدمت شبکه‌های قدرت و ثبات حداقلی بوده تا ارتقای کیفیت حکمرانی. ساختار فرقه‌ای قدرت و رقابت‌های سیاسی، ناکارآمدی دولت و گسترش فساد را تشدید کرده است. بحران‌های اقتصادی، مانند تورم بالا و کاهش ارزش پول ملی، نیز اعتماد عمومی به دولت را کاهش داده و مردم را به سمت نهادهای نظامی و امنیتی سوق داده است. از این رو، سرمایه اجتماعی افزایش یافته اما این افزایش در جهت تقویت حکمرانی یا بهبود حکمرانی خوب عمل نکرده است. رابطه منفی میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی در لبنان می‌تواند ناشی از این باشد که بخشی از بهبود محدود توسعه انسانی از مسیرهایی خارج از دولت حاصل شده است. کمک‌های بین‌المللی در حوزه‌های آموزش و بهداشت، و نقش فعال بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی بخشی از ضعف حکمرانی را جبران کرده‌اند. بنابراین بهبود توسعه انسانی الزاماً محصول سیاست‌های دولت نبوده و از منابعی بیرون از ساختار حکمرانی تأمین شده است. در نهایت، اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی در لبنان ضعیف است؛ زیرا سرمایه اجتماعی بیشتر به نهادهای خاص سیاسی و امنیتی معطوف شده و سرمایه اجتماعی بین‌فردی و مشارکت اجتماعی کاهش یافته است. از سوی دیگر، بحران‌های اقتصادی و فشارهای معیشتی مانع از آن شده‌اند که افزایش اعتماد نهادی به ارتقای واقعی توسعه انسانی منجر شود. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد حکمرانی ضعیف در لبنان نتوانسته از ظرفیت‌های مالی و اجتماعی برای بهبود توسعه انسانی استفاده کند.

نتایج مدل در کشور پاکستان

نتایج برآورد مدل برای کشور پاکستان در شکل (۳) ارائه شده است. گویه‌های مورد استفاده در این مدل شامل گویه‌های ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ از پرسشنامه پیمایش ارزش‌های جهانی هستند. اعتماد بین‌فردی در این دوره کاهش یافته و به دلیل بار عاملی منفی از مدل حذف شده است. در مقابل، بیشتر گویه‌های مربوط به اعتماد نهادی روندی افزایشی داشته‌اند. در میان آن‌ها اعتماد به نهادهای مذهبی بسیار بالا است و پس از آن اعتماد به ارتش در سطح بالایی قرار دارد. اعتماد به پلیس و احزاب نسبت به سایر گویه‌ها کمتر است، با این حال اعتماد به حکمرانی، اتحادیه‌های کارگری و

پلیس افزایش قابل توجهی داشته است. داده‌های حکمرانی خوب نشان می‌دهد که وضعیت این شاخص در پاکستان نامطلوب است. گویه‌های کارایی و اثربخشی دولت و ثبات سیاسی و نبود خشونت به دلیل بار عاملی منفی از مدل حذف شده‌اند و این مؤلفه‌ها در دوره مورد بررسی کاهش یافته‌اند. سایر گویه‌های حکمرانی خوب نوسانات کوتاه‌مدت داشته‌اند، اما هیچ یک از این بهبودها پایدار نبوده است. داده‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد که با وجود بهبود در دوره مورد بررسی، سطح توسعه انسانی همچنان بسیار پایین است. شاخص آموزش از حدود ۴ سال به حدود ۶ سال افزایش یافته است. امید به زندگی از ۶۱ سال به ۶۶ سال رسیده است. همچنین شاخص درآمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید از حدود ۷۵۰ دلار به حدود ۲۱۳۰ دلار افزایش یافته است. این روندها نشان می‌دهد که توسعه انسانی در پاکستان اگرچه بهبود یافته، اما این بهبود محدود و تدریجی بوده است.



شکل شماره (۳): نتایج مدل برای کشور پاکستان
منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج این مدل در پاکستان نشان‌دهنده سه رابطه کلیدی است.

✓ رابطه مثبت و ضعیف بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی.

✓ رابطه مثبت و قوی بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی.

✓ رابطه مثبت و نسبتاً قوی بین سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی.

نتایج مدل برای پاکستان نشان می‌دهد رابطه بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی مثبت اما ضعیف است. شاخص‌های حکمرانی خوب در این کشور نوسانی بوده‌اند؛ برخی مؤلفه‌ها بهبود کوتاه‌مدت داشته و برخی کاهش یافته‌اند، اما هیچ روند پایداری مشاهده نمی‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که اصلاحات حکمرانی عمیق نبوده و نتوانسته اثر قابل توجهی بر توسعه انسانی بگذارد. با توجه به سطح بسیار پایین توسعه انسانی در پاکستان، به نظر می‌رسد عوامل دیگری مانند سرمایه‌گذاری محدود در آموزش، بهداشت و زیرساخت‌ها نقش مهم‌تری در تغییرات توسعه انسانی داشته‌اند. در مجموع، کارایی پایین نهادهای رسمی و ناکافی بودن اصلاحات اقتصادی و آموزشی باعث شده تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی بسیار محدود باشد. در مدل پاکستان رابطه مثبت و قوی بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب مشاهده شد. اگرچه اعتماد بین‌فردی کاهش یافته است، اما بهبود اعتماد نهادی در مجموع موجب تقویت برخی جنبه‌های حکمرانی شده است. این رابطه بیشتر از مسیر مؤلفه‌هایی مانند کنترل فساد و افزایش اعتماد به نهادها شکل گرفته، هرچند شاخص‌هایی مانند کارایی و اثربخشی دولت و ثبات سیاسی و نبود خشونت همچنان ضعیف هستند. بنابراین بهبود حکمرانی بیشتر به تقویت برخی نهادهای خاص وابسته است و ممکن است در برابر بی‌ثباتی‌های سیاسی آینده دوام نیابد. مدل نشان می‌دهد رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی مثبت و نسبتاً قوی است. افزایش اعتماد نهادی باعث تقویت مشارکت اجتماعی و بهبود نسبی آموزش و بهداشت شده است، اما سطح توسعه انسانی همچنان بسیار پایین است و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تر است.

ترکیب رابطه ضعیف حکمرانی با توسعه انسانی و رابطه قوی‌تر سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی نشان می‌دهد که در پاکستان نقش سرمایه اجتماعی در بهبود توسعه انسانی پررنگ‌تر از نقش حکمرانی بوده است. در شرایطی که حکمرانی کارآمد نبوده، سرمایه اجتماعی تا حدودی کمبودهای نهادی را جبران کرده و به شکل یک عامل مکمل در توسعه انسانی عمل کرده است. نتایج گسترده‌تر پژوهش نشان می‌دهد در جوامع در حال توسعه، رابطه نهادهای مدنی و سیاسی با توسعه انسانی پیچیده و چندلایه است. همان‌گونه که ادبیات نهادگرایی تأکید می‌کند، ترکیب نهادهای رسمی و غیررسمی می‌تواند مسیر توسعه را به شیوه‌هایی متناقض شکل دهد. در بسیاری از این کشورها نهادهای مدنی، به جای ارتقای سرمایه اجتماعی فراگیر، گاه در پیوند با نهادهای سیاسی به حفظ ساختارهای رانتی و نابرابری کمک کرده‌اند. همان‌گونه که فوکویاما (۲۰۰۱) توضیح می‌دهد، غلبه روابط درون‌گروهی و اعتماد محدود به شبکه‌های مذهبی، قومی یا محلی می‌تواند فرآیند حکمرانی را تضعیف و حتی به فساد مشروعیت ببخشد. این امر در یافته‌های پژوهش درباره لبنان نیز مشهود است. همچنین مطابق دیدگاه عجم‌وگلو و همکاران (۲۰۰۱)، کیفیت نهادی و میراث نهادهای اولیه نقشی بنیادین در مسیر توسعه ایفا می‌کنند. در کشورهای مورد بررسی، ضعف نهادهای رسمی باعث شده سرمایه اجتماعی در برخی موارد مستقل از حکمرانی و حتی در نبود آن، بر توسعه انسانی اثر مثبت داشته باشد. این وضعیت بیانگر نقش سازوکارهای غیررسمی در جبران ناکارآمدی دولت است.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری

بارهای عاملی

گویه‌ای که در مدل اندازه‌گیری دارای بیشترین بار عاملی است و در تبیین واریانس مشترک سهم بیشتری دارد، به منظور پیش‌بینی سازه استفاده می‌شود. این مشخصه پایایی گویه نامیده می‌شود. بارهای عاملی بالای ۰/۷۰۸ قابل قبول است. اگر مقدار بار عاملی بین ۰/۴ تا ۰/۷ باشد و هدف آنها موازی با حفظ روایی ترکیبی باشد می‌توان آنها را حذف کرد (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸). در این پژوهش به دلیل بحث نظری و محتوایی، گویه‌هایی که دارای بار عاملی بین ۰/۴ تا ۰/۷ هستند از مدل حذف نشده‌اند. بارهای عاملی متغیر حکمرانی خوب در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): بار عاملی گویه‌های حکمرانی خوب

کشور	متغیر پنهان (سازه)	متغیر آشکار (گویه)	بار عاملی
ایران	حکمرانی خوب	کارایی و اثربخشی دولت	۰/۴۸۷
		ثبات سیاسی و عدم خشونت	۰/۹۴۱
		حاکمیت قانون	۰/۶۷۶
		حق اظهارنظر و پاسخگویی	۰/۸۰۲
		کنترل فساد	۰/۹۲۱
لبنان	حکمرانی خوب	کارایی و اثربخشی دولت	۰/۹۳۶
		کیفیت قوانین و مقررات	۰/۹۱۸
		حاکمیت قانون	۰/۹۴۹
		حق اظهارنظر و پاسخگویی	۰/۹۵۸
		کنترل فساد	۰/۸۹۴
پاکستان	حکمرانی خوب	کیفیت قوانین و مقررات	۰/۴۸۲
		حاکمیت قانون	۰/۹۱۳
		حق اظهارنظر و پاسخگویی	۰/۷۶۵
		کنترل فساد	۰/۵۲۱

منبع: یافته‌ها تحقیق

تفاوت در بارهای عاملی نشان می‌دهد که حکمرانی خوب یک مفهوم جهانی اما با تفسیر بومی است؛ این یافته‌ها موید دیدگاه‌های نظری چون نسبی‌گرایی نهادی و تحلیل حکمرانی در بافت محلی هستند. بارهای عاملی متغیر پنهان توسعه انسانی در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول شماره (۴): بار عاملی گویه‌های توسعه انسانی

نام کشور	متغیر پنهان (سازه)	متغیر آشکار (گویه)	بار عاملی
ایران	توسعه انسانی	طول عمر	۰/۹۶۱
		پیشرفت آموزشی	۰/۹۸۶
		سطح رفاه	۰/۹۳۷
لبنان	توسعه انسانی	طول عمر	۰/۶۸۶
		پیشرفت آموزشی	۰/۳۴۱
		سطح رفاه	۰/۹۹۳
پاکستان	توسعه انسانی	طول عمر	۰/۹۸۵
		پیشرفت آموزشی	۰/۹۹۲
		سطح رفاه	۰/۹۸۴

منبع: یافته‌ها تحقیق

بار عاملی گویه‌های متغیر پنهان «توسعه انسانی» را در سه کشور نشان می‌دهد این تحلیل بیانگر میزان همبستگی گویه‌های آشکار با سازه توسعه انسانی است. در ایران هر سه گویه بار عاملی بالایی دارند. این نشان می‌دهد که در ایران، توسعه انسانی به طور متعادل بر مبنای آموزش، سلامت و رفاه متمرکز شده است. در لبنان پیشرفت آموزشی بار عاملی بسیار پایینی دارد، که احتمالاً ناشی از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و ضعف نظام آموزشی در سال‌های اخیر است. در مقابل، سطح رفاه بسیار قوی است، که ممکن است بازتابی از اهمیت نسبی کیفیت زندگی روزمره در درک توسعه انسانی باشد. در پاکستان هر سه گویه بار عاملی بسیار بالا دارند. تفاوت در بارهای عاملی نشان‌دهنده ضرورت نگاه بومی به شاخص‌های بین‌المللی مانند توسعه انسانی است. بارهای عاملی متغیر سرمایه اجتماعی در جدول (۵) نشان داده شده است. بارهای عاملی گویه‌های مربوط به سازه پنهان سرمایه اجتماعی را در سه کشور نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که میزان مشارکت و اعتماد به نهادها و گروه‌ها در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تا چه اندازه نقش دارند.

جدول شماره (۵): بار عاملی گویه‌های سرمایه اجتماعی

کشور	متغیر پنهان (سازه)	متغیر آشکار (گویه)	بار عاملی
ایران	سرمایه اجتماعی	اعتماد به مطبوعات	۱/۰۰۰
		اعتماد به تلویزیون	۰/۹۹۶
		اعتماد به اتحادیه‌های کارگری	۰/۹۶۵
لبنان	سرمایه اجتماعی	اعتماد به پلیس	۰/۹۸۱
		اعتماد به احزاب	۰/۹۶۱
		اعتماد به پارلمان	۰/۷۳۵
		اعتماد به ارتش	۰/۹۴۰
		اعتماد به مطبوعات	۰/۹۹۵
		اعتماد به تلویزیون	۰/۹۹۸
		اعتماد به اتحادیه‌های کارگری	۰/۹۹۹
		اعتماد به پلیس	۰/۹۹۱
		اعتماد به احزاب	۰/۹۸۸
اعتماد به پارلمان	۰/۷۳۱		

ادامه جدول شماره (۵)

کشور	متغیر پنهان (سازه)	متغیر آشکار (گویه)	بارعاملی
پاکستان	سرمایه اجتماعی	اعتماد به کلیسا و سایر نهادهای مذهبی	۰/۷۶۰
		اعتماد به ارتش	۰/۹۰۰
		اعتماد به مطبوعات	۰/۷۹۳
		اعتماد به تلویزیون	۰/۹۹۷
		اعتماد به اتحادیه‌های کارگری	۰/۹۴۳
		اعتماد به پلیس	۰/۶۸۹
		اعتماد به حکومت	۰/۹۶۹
		اعتماد به احزاب	۰/۹۹۹

منبع: یافته‌ها تحقیق

در ایران تمام گویه‌ها، بار عاملی بسیار بالایی دارند که نشان‌دهنده انسجام قوی در درک سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد به نهادهای رسمی است. اعتماد به مطبوعات و تلویزیون در رأس قرار دارد. اعتماد به پارلمان ضعیف‌ترین است، که شکاف میان رسانه‌ها و نهادهای سیاسی رسمی را نشان می‌دهد. در لبنان بسیار بالاترین بارهای عاملی در بین همه کشورها است که نشان‌دهنده تمرکز سرمایه اجتماعی بر اعتماد به نهادهای نظامی، رسانه‌ها و احزاب سیاسی است. اعتماد نسبتاً پایین به پارلمان ممکن است نشان‌دهنده بحران اعتماد به نهادهای رسمی سیاسی در سال‌های اخیر باشد. در پاکستان ترکیب جالبی از اعتماد به نهادهای مذهبی، ارتش، رسانه‌ها و احزاب وجود دارد. درحالی که اعتماد پایین به پلیس می‌تواند بازتابی از تجربیات منفی مردم با این نهاد باشد. بالا بودن بارهای عاملی در گویه‌های دیگر، نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی قوی با محوریت اعتماد نهادی (غیرمدنی) است. سرمایه اجتماعی در هر کشور ساختار و منبع متفاوتی دارد: مذهبی (پاکستان)، رسانه‌محور (ایران و لبنان).

معیارهای نیکویی برازش

پایایی ثبات درونی و روایی همگرا

نخستین معیار برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری انعکاسی، پایایی ثبات درونی گویه‌ها است. روش متداول برای بررسی پایایی ثبات درونی، آلفای کرونباخ^۱ و پایایی ترکیبی (CR) است. مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد. یکی دیگر از معیارهای ارزیابی مدل، معیار روایی همگرا می‌باشد. این معیار بر پایه "میانگین واریانس استخراج شده" (AVE)^۲ است. این معیار به عنوان مقدار میانگین کل مربعات بارهای معرف متناظر با هر گویه با سازه تعریف می‌شود. نتایج پایایی ثبات درونی و روایی همگرا در جدول (۶) نشان داده شده است. متغیرهای سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی از روایی همگرا برخوردار هستند، اما متغیر حکمرانی برای کشور پاکستان از مقدار قابل قبول برخوردار نیست.

1. Cronbach's Alpha

2. Average Variance Extracted (AVE)

جدول شماره (۶): پایایی ثبات درونی و روایی همگرا

نام کشور	متغیر پنهان (سازه)	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
ایران	سرمایه اجتماعی	۰/۹۷۵	۰/۹۸۰	۰/۸۹۲
	حکمرانی خوب	۰/۸۴۶	۰/۸۸۴	۰/۶۱۴
	توسعه انسانی	۰/۹۵۹	۰/۹۷۳	۰/۹۲۴
لبنان	سرمایه اجتماعی	۰/۹۸۳	۰/۹۸۶	۰/۹۰۹
	حکمرانی خوب	۰/۹۶۲	۰/۹۷۰	۰/۸۶۷
	توسعه انسانی	۰/۸۴۴	۰/۷۴۱	۰/۵۲۴
پاکستان	سرمایه اجتماعی	۰/۹۶۲	۰/۹۶۷	۰/۷۸۹
	حکمرانی خوب	۰/۶۵۴	۰/۷۷۶	۰/۴۸۱
	توسعه انسانی	۰/۹۸۷	۰/۹۹۱	۰/۹۷۵

منبع: یافته‌ها تحقیق

در ایران همه سازه‌ها دارای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالا هستند در نتیجه پایایی و روایی همگرا عالی برای همه سازه‌ها برقرار است. در لبنان توسعه انسانی دارای پایایی مناسب، اما میانگین واریانس استخراج شده آن پایین و نزدیک به حد آستانه است. سایر سازه‌ها (سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب) دارای پایایی و روایی بسیار خوب هستند. در پاکستان توسعه انسانی بهترین عملکرد را دارد. سرمایه اجتماعی دارای پایایی بالا است. حکمرانی خوب آلفای کرونباخ پایین و میانگین واریانس استخراج شده که زیر حد آستانه است.

روایی واگرا (تشخیصی)^۱

جهت بررسی روایی واگرای مدل اندازه‌گیری، از معیار فورنل و لارکر^۲ استفاده می‌شود. بر اساس این معیار، روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. براساس این آزمون، در صورت وجود روایی واگرا، بارهای عاملی هر یک از سازه‌های مشاهده‌پذیر موردنظر در یک مدل انعکاسی بیشتر از بارهای عاملی سازه‌های مشاهده‌پذیر دیگر مدل معادلات ساختاری اندازه‌گیری شده است. بار عاملی هر سازه مشاهده‌پذیر، بر روی متغیر پنهان متناظرش، باید بیشتر از بارهای عاملی همان متغیر مشاهده‌پذیر بر متغیرهای پنهان دیگر باشد (هیبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۲). نتایج روایی واگرای مدل توسط بارهای متقاطع در جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول شماره (۷): روایی واگرای مدل توسط معیار فورنل و لارکر

کشور	متغیرهای پنهان (سازه)	حکمرانی خوب	توسعه انسانی	سرمایه اجتماعی
ایران	حکمرانی خوب	۰/۷۸۴		
	توسعه انسانی	-۰/۷۷۵	۰/۹۶۱	
	سرمایه اجتماعی	-۰/۶۵۳	۰/۸۰۶	۰/۹۴۴
لبنان	حکمرانی خوب	۰/۹۳۱		
	توسعه انسانی	-۰/۷۳۲	۰/۷۲۴	
	سرمایه اجتماعی	-۰/۸۲۸	۰/۶۸۳	۰/۹۵۳
پاکستان	حکمرانی خوب	۰/۶۹۴		
	توسعه انسانی	۰/۷۷۴	۰/۹۸۷	
	سرمایه اجتماعی	۰/۷۳۷	۰/۸۵۷	۰/۸۸۸

منبع: یافته‌ها تحقیق

1. Discriminate Validity
2. Fornell-Larcker

نتایج نشان می‌دهد شاخص حکمرانی خوب برای کشور پاکستان از روایی و اگرایی مطلوب برخوردار نیستند. اما سایر مؤلفه در حد مطلوب قرار دارند.

شاخص HTMT^۱

یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی اعتبار بیرونی سازه‌ها، شاخص HTMT است. این شاخص یک معیار برای ارزیابی همپوشانی بین سازه‌های مختلف در مدل‌های معادلات ساختاری است و به کمک بررسی نسبت همبستگی بین متغیرهای پنهان مختلف به دست می‌آید. مقدار این شاخص در جدول (۸) نشان داده شده است.

جدول شماره (۷): شاخص HTMT

نام کشور	متغیرهای پنهان (سازه)	HTMT
ایران	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	۰/۷۶۰
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۶۰۱
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۷۹۴
لبنان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	۰/۴۸۷
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۸۳۹
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۴۵۵
پاکستان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	۰/۸۴۸
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۷۷۴
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۸۱۷

منبع: یافته‌ها تحقیق

مقادیر HTMT برای تمام جفت متغیرها کمتر از ۰/۸۵ است. در ایران روایی و اگرایی حکمرانی خوب - توسعه انسانی، مطلوب است روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - حکمرانی خوب، مطلوب و روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - توسعه انسانی مطلوب است در نتیجه روایی و اگرایی در ایران تأیید می‌شود. در لبنان روایی و اگرایی حکمرانی خوب - توسعه انسانی عالی، روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - حکمرانی خوب مطلوب، نزدیک به مرز و روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - توسعه انسانی عالی است. در نتیجه در روایی و اگرایی کاملاً تأیید می‌شود. در پاکستان روایی و اگرایی حکمرانی خوب - توسعه انسانی در مرز، روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - حکمرانی خوب، مطلوب و روایی و اگرایی سرمایه اجتماعی - توسعه انسانی مطلوب است.

آزمون میانجی‌گری

بررسی معنی داری یک ضریب مسیری وابسته به خطای استاندارد^۲ است که توسط مسیر بوت‌استرپینگ^۳ محاسبه می‌شود. خطای استاندارد، امکان محاسبه مقادیر آماره t و آماره p را برای همه ضرایب مسیر ساختاری فراهم می‌کند. زمانی که مقدار t بزرگتر از t بحرانی است، ضریب مورد نظر در سطح احتمال خطای معین، معنی دار است (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۱). در سطح اطمینان ۹۵ درصد چنانچه مقدار آماره آزمون از ۱/۹۶ بزرگتر باشد آن رابطه معنادار است و فرض صفر که مبنی بر عدم تفاوت ضرایب با صفر است رد شده است. در سطح خطای ۵ درصد ضریب مسیر چه مثبت باشد چه منفی اگر آماره t در فاصله [۱/۹۶ و -۱/۹۶] باشد، رابطه معنادار نیست و فرض صفر که مبنی بر عدم تفاوت ضرایب با صفر است رد نشده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۹) نشان داده شده است.

1. Heterotrait-Monotrait Ratio
2. Standard Error
3. Bootstrapping

جدول شماره (۹): نتایج بوت استرپ

نام کشور	متغیرهای پنهان	ضریب مسیر اصلی	میانگین ضرایب در نمونه	خطای استاندارد	آماره t	p-values
ایران	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	-۰/۴۳۵	-۰/۴۵۶	۰/۱۴۸	۲/۹۳۴	۰/۰۰۳
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	-۰/۶۵۳	-۰/۷۰۱	۰/۰۷۵	۸/۷۳۳	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۵۲۲	۰/۴۹۰	۰/۱۳۵	۳/۸۶۷	۰/۰۰۰
لبنان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	-۰/۵۲۹	-۰/۱۷۲	۰/۸۲۸	۰/۶۳۸	۰/۵۲۴
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	-۰/۸۲۸	-۰/۸۳۵	۰/۰۷۵	۱۱/۰۳۱	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۲۴۶	۰/۲۸۶	۰/۵۳۱	۰/۴۶۳	۰/۶۴۳
پاکستان	حکمرانی خوب-توسعه انسانی	۰/۳۱۳	۰/۳۴۳	۰/۲۰۶	۱/۵۱۵	۰/۱۳۰
	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۷۳۷	۰/۷۷۱	۰/۰۶۱	۱۲/۱۰۵	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی-توسعه انسانی	۰/۶۲۶	۰/۶۰۰	۰/۱۷۰	۳/۶۹۴	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که جدول (۹) نشان می‌دهد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد آماره آزمون معناداری مسیر حکمرانی خوب و توسعه انسانی، در کشور لبنان مقدار بحرانی ۱/۹۶ کوچکتر است. بنابراین رابطه حکمرانی خوب و توسعه انسانی در این کشورها معنادار نیست. بنابراین فرضیه صفر در کشورهای لبنان تأیید می‌شود و در سایر کشورهای مورد بررسی فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه معنادار بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی رد می‌شود. قدر مطلق آماره آزمون معناداری رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، در همه کشورهای مورد بررسی از قدر مطلق مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است. بنابراین رابطه حکمرانی خوب و توسعه انسانی در این کشورها معنادار است و فرضیه صفر رد می‌شود. در ایران حکمرانی خوب نقش میانجی منفی دارد؛ یعنی سرمایه اجتماعی با کاهش حکمرانی خوب، به صورت غیرمستقیم توسعه انسانی را کاهش می‌دهد. اما اثر مستقیم آن مثبت باقی‌مانده است. در نتیجه مدل دارای میانجی‌گری جزئی منفی. در لبنان هیچ مسیر معناداری به توسعه انسانی نشان داده نشده است. اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم وجود ندارد. در نتیجه مدل بدون میانجی‌گری مؤثر است. در پاکستان حکمرانی خوب میانجی معناداری نیست چون مسیر حکمرانی خوب و توسعه انسانی غیرمعنادار است. اثر مستقیم مثبت و قوی باقی مانده است. در نتیجه اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی مستقیم و بدون میانجی‌گری است.

ارزیابی مدل ساختاری

معیارهای کلیدی برای ارزیابی مدل معادلات ساختاری شامل بررسی سطح معنی‌داری ضرایب مسیر^۱، مقدار ضریب تعیین R^2 ، حجم اثر f^2 ، تناسب پیش بین (روابط پیش‌بینی کننده) Q^2 است.

ضریب تعیین^۲ (R^2) و تناسب پیش بین (Q^2)

ضریب تعیین، نشان‌دهنده مربع همبستگی بین سازه درونزا و سازه‌های پیش‌بینی کننده آن است. بازه تغییرات ضریب تعیین بین صفر و یک است و هرچه مقدار آن بیشتر باشد، دقت پیش‌بینی مدل بیشتر است. به طور کلی مقدار بیشتر از ۲۰ درصد قابل قبول است. با توجه به نبود یک قاعده شفاف، به منظور ارزیابی ضریب تعیین، مقادیر ۷۵ درصد، ۵۰ درصد و ۲۵ درصد برای سازه نهفته درونزا به ترتیب نشان‌دهنده دقت پیش‌بینی "قابل توجه"، "متوسط" و "ضعیف" است. ممکن است اضافه کردن یک سازه غیر معنی‌دار به مدل ساختاری، به منظور افزایش ضریب تعیین، سبب ارباب در شناخت پدیده مورد بررسی

1. Path Coefficients
2. Coefficient of Determination

گردد. برای اجتناب از اریب می‌توان از ضریب تعیین تعدیل شده^۱ استفاده کرد. (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۶-۲۱۵). دومین شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص (Q^2) است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. اگر این شاخص، بزرگتر از صفر باشد نشان می‌دهد مدل تبیین شده از روابط پیش‌بینی کننده برخوردار است و مقادیر صفر و کمتر از صفر نشان‌دهنده ضعف در پیش‌بینی روابط است (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۹-۲۱۸). هینسلر^۲ و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. نتایج شاخص تناسب پیش‌بین، مقادیر ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده در جدول (۱۰) نشان داده شده است.

جدول شماره (۱۰): ضریب تعیین

نام کشور	متغیر پنهان درونزا	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	Q^2
ایران	حکمرانی خوب	۰/۴۲۶	۰/۳۹۷	۰/۱۸۶
	توسعه انسانی	۰/۷۵۸	۰/۷۳۳	۰/۶۴۴
لبنان	حکمرانی خوب	۰/۶۸۵	۰/۶۶۵	۰/۵۴۸
	توسعه انسانی	۰/۵۵۵	۰/۴۹۵	-۰/۰۱۹
پاکستان	حکمرانی خوب	۰/۵۴۳	۰/۵۲۳	۰/۱۷۸
	توسعه انسانی	۰/۷۷۸	۰/۷۵۷	۰/۶۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۱۰)، مدل از دقت پیش‌بینی نسبتاً مطلوبی برخوردار است. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد، مدل مورد بررسی از قدرت پیش‌بینی کننده مطلوبی برخوردار است. در ایران مدل در تبیین توسعه انسانی بسیار قوی و برای حکمرانی خوب در سطح متوسط است. در لبنان حکمرانی خوب دارای پیش‌بینی خوب و توسعه انسانی پیش‌بینی ضعیف است. در پاکستان، مدل توسعه انسانی قوی و قابل اطمینان است؛ مدل حکمرانی خوب نیز نسبتاً مناسب است.

شاخص اندازه اثر یا حجم اثر f^2

اندازه اثر، یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی اهمیت نسبی پیش‌بینی‌گرها در مدل ساختاری PLS-SEM است. اندازه اثر، شاخص ارزیابی بخش ساختاری مدل است و برای متغیرهای مستقل برونزا مصداق دارد. شاخص f^2 برای یک متغیر مستقل، میزان تغییرات در برآورد متغیر وابسته، زمانی که اثر آن متغیر حذف شود را نشان می‌دهد. معیار کلی برای ارزیابی شاخص اندازه اثر وجود ندارد اما برای سهولت و براساس نظر کوهن^۳ (۱۹۸۸) میزان این شاخص به ترتیب ۰/۰۲ (ضعیف) ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) در نظر گرفته می‌شود. اندازه اثر کمتر از ۰/۰۲ به معنی این است که اثری وجود ندارد (هیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۸). نتایج جدول (۱۱) نشان‌دهنده اندازه اثر می‌باشد.

1. Adjusted Coefficient of Determination
2. Jan Henseler
3. Cohen

جدول شماره (۱۱): شاخص اندازه اثر

نام کشور	متغیرهای پنهان (سازه)	اندازه اثر
ایران	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۰/۷۴۲
	توسعه انسانی-حکمرانی خوب	۰/۴۴۷
	توسعه انسانی-سرمایه اجتماعی	۰/۶۴۵
لبنان	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۲/۱۷۴
	توسعه انسانی-حکمرانی خوب	۰/۱۹۸
	توسعه انسانی-سرمایه اجتماعی	۰/۰۴۳
پاکستان	سرمایه اجتماعی-حکمرانی خوب	۱/۱۹۰
	توسعه انسانی-حکمرانی خوب	۰/۲۰۱
	توسعه انسانی-سرمایه اجتماعی	۰/۸۰۸

منبع: یافته‌های تحقیق

در ایران هر سه رابطه مهم و قوی هستند. در لبنان سرمایه اجتماعی بر حکمرانی بسیار مؤثر است، اما اثرش بر توسعه انسانی تقریباً ناچیز است. در پاکستان اثرگذاری متعادل و قوی میان متغیرها وجود دارد.

شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد^۱ (SRMR)

شاخص SRMR به عنوان تفاوت بین همبستگی مشاهده شده و ماتریس همبستگی ضمنی مدل تعریف می‌شود. این شاخص امکان ارزیابی میانگین بزرگی اختلافات بین همبستگی‌های مشاهده شده و مورد انتظار را به عنوان معیار مطلق معیار برازش (مدل) فراهم می‌کند. اگر مقدار شاخص SRMR از ۰/۱ کمتر باشد نشان از برازش مطلوب است. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) شاخص SRMR را به عنوان یک معیار مناسب معرفی کردند که می‌تواند برای جلوگیری از تعیین نادرست مدل استفاده شود. نتایج این شاخص در جدول (۱۲) نشان داده شده است.

جدول شماره (۱۲): شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد

نام کشور	SRMR
ایران	۰/۱۸۱
لبنان	۰/۱۹۰
پاکستان	۰/۱۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که جدول (۱۲) نشان می‌دهد شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد بیشتر از ۰/۱ است و مطلوب نمی‌باشد. بنابراین نتایج نشان‌دهنده برازش ضعیف مدل در سطح شاخص‌های مرسوم است. با این حال، با توجه به ماهیت محتوایی مدل و اهداف تطبیقی پژوهش که مبتنی بر حفظ ساختار مدل در میان کشورهای مختلف است، امکان حذف یا تغییر در مسیرهای مدل وجود نداشت. بنابراین، رویکرد پژوهش بر حفظ انسجام مقایسه‌ای و تحلیل محتوایی روابط تمرکز داشته است و نتایج مدل، علی‌رغم ضعف در برازش عددی، از منظر تبیینی و نظری حائز اهمیت هستند.

نوآوری پژوهش

این پژوهش از چند جنبه دارای نوآوری است. نخست، استفاده از رویکرد تطبیقی در مدل‌سازی روابط میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی در سه کشور با زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متفاوت است که امکان درک عمیق‌تری از تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری در این حوزه را فراهم می‌سازد. برخلاف مطالعات پیشین که اغلب در یک بافت ملی محدود بوده‌اند، این تحقیق با حفظ ساختار یکسان مدل در میان کشورها، چارچوبی تحلیلی برای مقایسه مؤثر اثرات متغیرها ارائه می‌دهد. همچنین پژوهش حاضر در استفاده از مدل معادلات ساختاری به گونه‌ای نوآورانه عمل کرده است؛ به طوری که با وجود مقادیر نسبتاً بالا در شاخص SRMR که از نظر فنی نشانگر برازش ضعیف مدل هستند، به دلیل ماهیت نظری و مقایسه‌ای مطالعه، تغییری در ساختار مدل اعمال نشده تا امکان تحلیل همگن میان کشورها حفظ شود. این تصمیم، نوعی نوآوری روش‌شناختی محسوب می‌شود که در راستای اولویت‌بخشی به انسجام نظری و قابلیت تطبیق نتایج در تحلیل‌های مقایسه‌ای اتخاذ شده است. در نهایت، این مطالعه با تلفیق داده‌های پیمایشی بین‌المللی با شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه انسانی، مدلی ترکیبی و چندبعدی از پویایی‌های اجتماعی و حکمرانی ارائه می‌دهد که می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات بعدی در کشورهای در حال توسعه باشد.

بحث و تفسیر نتایج

نتایج به‌دست‌آمده از مدل معادلات ساختاری نشان‌دهنده تفاوت‌های معنادار در روابط میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی است. این یافته‌ها می‌تواند بیانگر آن باشد که در برخی زمینه‌های نهادی و فرهنگی، سرمایه اجتماعی بیشتر به ارتقای سطح فردی و اجتماعی کیفیت زندگی منجر می‌شود تا اثرگذاری مثبت بر ساختارهای حکمرانی. رابطه منفی میان سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در کشورهای ایران و لبنان، بیانگر شکاف بین اعتماد اجتماعی و کارآمدی نهادی است. به عبارتی، حتی در صورت وجود سطحی از اعتماد یا مشارکت اجتماعی، این ظرفیت‌ها لزوماً به بهبود عملکرد نهادهای رسمی منجر نمی‌شوند. چنین پدیده‌ای می‌تواند ناشی از ضعف در پاسخگویی، عدم شفافیت ساختارهای حکومتی یا تجربه‌های تاریخی بی‌اعتمادی نهادی باشد. همچنین، رابطه متناقض میان توسعه انسانی و حکمرانی خوب در کشورهای ایران و لبنان بیانگر آن است که افزایش شاخص‌های توسعه انسانی (مانند آموزش و سلامت) الزاماً به معنی تقویت حکمرانی نبوده است. این مسأله می‌تواند ناشی از رانت‌جویی، ضعف ساختارهای دموکراتیک یا انباشت سرمایه انسانی بدون مسیرهای مؤثر مشارکت سیاسی و اقتصادی باشد. در مقابل، در کشور پاکستان، سرمایه اجتماعی هم بر حکمرانی و هم بر توسعه انسانی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حتی رابطه حکمرانی و توسعه انسانی نیز در مقایسه با ایران و لبنان متفاوت و مثبت ارزیابی شده است. این امر نشان می‌دهد که در برخی بافت‌ها، سرمایه اجتماعی می‌تواند ظرفیت نهادی را تقویت کرده و مسیر توسعه انسانی را هموار سازد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روابط میان سرمایه اجتماعی، حکمرانی و توسعه انسانی بسیار متأثر از زمینه‌های نهادی، تاریخی و اجتماعی هر کشور است و نمی‌توان الگوی واحدی برای همه کشورها تجویز کرد. این نتایج بر لزوم توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای و سیاست‌گذاری متناسب با شرایط بومی در اصلاحات حکمرانی و توسعه‌ای تأکید دارد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر با وجود نوآوری در طراحی تطبیقی و بهره‌گیری از مدل معادلات ساختاری (SMART-PLS)، با چند محدودیت مهم مواجه بوده است. نخست، استفاده از داده‌های ثانویه همچون پیمایش ارزش‌های جهانی و شاخص‌های جهانی حکمرانی و توسعه انسانی، محدودیت‌هایی را در کنترل کیفیت داده‌ها و امکان گسترش ابعاد مفهومی به همراه دارد. همچنین، ناهمگونی در پوشش زمانی و ساختار پاسخ‌دهی در کشورهای مختلف ممکن است بر هم‌سنخ بودن کامل داده‌ها

تأثیر گذاشته باشد. از سوی دیگر، به دلیل ماهیت نظری و تطبیقی پژوهش، ساختار مدل در همه کشورها حفظ شد تا امکان مقایسه برقرار باشد؛ این در حالی است که شاخص‌های برازش آماری (مانند SRMR) در برخی موارد مطلوب نبوده و امکان بهینه‌سازی مدل محدود بوده است. با وجود این، تأکید پژوهش بر تحلیل محتوایی روابط ساختاری، نسبت به اصلاح مدل اولویت داشته است.

منابع

- ازکیا، م. و غفاری، غ.ر. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان. چاپ سیزدهم.
- پاتنام، ر. (۱۳۹۲). *دمکراسی و سنت‌های مدنی* (ترجمه: محمدتقی دلفروز). تهران: نشر غدیر.
- سن، آ. (۱۳۹۱). *توسعه یعنی آزادی* (ترجمه محمد سعید نوری نائینی). تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
- فدوی، ح.ا. (۱۳۹۸). نقش و تأثیر دولت‌ها در ایجاد و تخریب سرمایه اجتماعی. *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، شماره ۱۹، ۴۵-۶۲.
- نورث، د. سی. (۱۳۹۶). *فهم فرآیند تحول اقتصادی* (ترجمه میر سعید مهاجرانی و زهرا فرضی زاده). تهران: نشر نهادگرا. چاپ اول.
- هیر، ج. هالت، ت. و رینگل، ک. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی* (ترجمه: محمدرضا اکبری و امیر علم بیگی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ویرایش دوم.

References

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369–1401. <https://doi.org/10.1257/aer.91.5.1369>
- Adejumo-Ayibiowu, D. (2016). A theoretical basis for good governance. *Africanus: Journal of Development Studies*, 45(2), 1-27. <https://doi.org/10.25159/0304-615X/1179>
- Azkiya, M., & Ghafari, G. (2018). *Sociology of development* (13th ed.). Tehran: Keyhan Publishing. (In Persian)
- Balian, A. G. (2023). Social Capital: The Crucial Link for Optimizing the Impact of Human Capital. *International Journal of Social Science and Human Research*. IJSSHR, 6(4), 1997-2005.
- Berman, S. (1997). Civil society and the collapse of the Weimar Republic. *World Politics*, 49(3), 401–429. <https://doi.org/10.1353/wp.1997.0009>.
- Bordens, K. S., & Abbott, B. B. (2013). *Research Design and Methods: A Process Approach*. Boston: McGraw-Hill, (10th ed.).
- Boix, C., & Posner, D. N. (1998). Social Capital: Explaining its Origins and Effects on Government Performance. *British Journal of Political Science*, 28(4), 686-693.
- Chaudhary, D. (2020). Prospect of good governance and human development. *Journal of Political Science*, 10(2), 135-147, <https://doi.org/10.3126/njdrs.v16i0.31530>
- De Muro, P., & Tridico, P. (2008). The role of institutions for human development. MPRA Paper No. 7302, University Library of Munich, Germany.
- Dearmon, J., & Grier, K. (2009). Trust and Development. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 71(2), 210-220.
- Durante, R., Mastroiocco, N., Minale, L., & Snyder, J. M. (2025). Unpacking Social Capital. *The Economic Journal*, 135(667), 773–807. <https://doi.org/10.1093/ej/ueae074>
- Fadavi, H. (2019). The role and impact of governments in creating and destroying social capital. *Human Sciences Research Journal*, 19, 45–62. (In Persian)
- Fukuyama, F. (2001). Social capital, civil society and development. *Third World Quarterly*, 22(1), pp 7–20.
- Grindle, M. S. (2007). Good enough governance revisited. *Development Policy Review*, 25(5), 553–574. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7679.2007.00385>
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277–319. [https://doi.org/10.1108/S1474-7979\(2009\)0000020014](https://doi.org/10.1108/S1474-7979(2009)0000020014)
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., & Ringle, C. M. (2014). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) (M. R. Akbari & A. Elambeygi, Trans., 2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press. (In Persian).

- Kamalu, K. C., & Wan Ibrahim, W. H. (2022). The influence of institutional quality on human development: Evidence from developing countries. *Jurnal Ekonomi Malaysia*, 56(1), 93–105. <https://doi.org/10.17576/JEM-2022-5601-07>
- Myeong, S., & Seo, H. (2016). Which Type of Social Capital Matters for Building Trust in Government? Looking for a New Type of Social Capital in the Governance Era. *Journal of Sustainability, Inha University*, 8(322), 1-15.
- North, D. C. (2017). *Understanding the process of economic change* (M. S. Mohajerani & Z. Farzizadeh, Trans.). Tehran: Nehadegara Publishing. (Original work published 2005). (In Persian)
- Öner, Ö., & Westlund, H. (2021). The dark side of social capital in the spatial context. *Regional Studies*, 55(1), 13–25. <https://doi.org/10.1080/00343404.2020.1800625>
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2001). *The Well-being of Nations: The Role of Human and Social Capital*. Paris: OECD Publishing.
- Pradhan, R. P., & Sanya, G. S. (2011). Good governance and human development: Evidence from Indian states. *Journal of Social and Development Sciences*, 1(1), 1–8.
- Portes, A. (1998). Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology. *Annual Review of Sociology*, 24(1), 1–24. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.24.1.1>.
- Putnam, R. D. (1993). The Prosperous Community. *The American Prospect*, 4(13), 35–42.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York, NY: Simon and Schuster.
- Putnam, R. D. (2013). Democracy and civic traditions (M. T. Delfrooz, Trans.). Tehran: Ghadir Publishing. (In Persian)
- Putro, H. P. N., Rusmaniah, R., Mutiani, M., Jumriani, J., & Subiyakto, B. (2022). The relevance of social capital in efforts to develop entrepreneurship education. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 16(3), 412-417.
- Qian, Y. (2003). How reform worked in China. In D. Rodrik (Ed.), *In search of prosperity: Analytical narratives on economic growth* (pp. 297–333). Princeton University Press.
- Rothstein, B., & Stolle, D. (2008). The state and social capital: An institutional theory of generalized trust. *Comparative Politics*, 40(4), 441–459. <https://doi.org/10.2307/20434095>.
- Sen, A. (2012). *Development as freedom* (M. S. Nouri Naeni, Trans., 4th ed.). Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Stryzhak, O., Tupa, M., & Rodzik, J. (2022). Relationship between the level of human development and institutional quality. *Economics and Sociology*, 15(2), 274-295. <https://doi.org/10.14254/2071-789X.2022/15-2/17>
- Stylianou, T., Nasir, R., Waqas, M., & Nisar, U. (2024). Inclusive human development and governance: A panel data analysis of selected Asian countries. *Frontiers in Political Science*. Advance online publication. <https://doi.org/10.3389/fpos.2024.1446044>
- Tandon, A. (2023). Institutionalization for good governance to reach sustainable health development: A framework analysis. *Globalization and Health*, 19(1), Article 70. <https://doi.org/10.1186/s12992-023-01009-5>.
- United Nations Development Programme (UNDP). (1990). *Human Development Report 1990: Concept and Measurement of Human Development*. Oxford University Press.
- United Nations Development Programme (UNDP). (1997). *Governance for sustainable human development: A UNDP policy document*. United Nations Development Programme. <https://www.undp.org/publications/governance-sustainable-human-development>
- Yang, K. H. (2010). *Human Development and Government Effectiveness*. Master of public Policy at the Georgetown Public Policy Institute. School of Arts and Science of Georgetown University. Washington, Dc. <https://www.worldvaluessurvey.org/wvs.jsp>
<https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>

The Impact of Social Capital on Good Governance and Human Development in Selected Middle Eastern Countries A Partial Least Squares Structural Equation Modeling Approach

Hayder Jalil Abdulridha Al Zerkani¹ | Seyyed Mohammad Bagher Najafi^{*2} |
Jamal Fathollahi³ | Vida Dadkhah⁴

1. PhD Student in Economic Sciences, Department of Economics, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: hjlyl1790@gmail.com
2. Corresponding Author*, Associate Professor, Department of Economics, Razi University, Kermanshah Iran. Email: Najafi122@razi.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Economics, Kermanshah, Iran. Email: J.fathollahi@razi.ac.ir
4. PhD in Economic Sciences, Researcher, Iran. Email: Dadkhah.vida@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 24 August 2025

Accepted: 30 December 2025

Published: 30 December 2025

Keywords:

Human Development, Good Governance, Social Capital, Structural Equation Modeling

ABSTRACT

Introduction: Human development is one of the key topics in the development literature, directly affecting individual and social well-being. This issue is of particular importance in developing countries. This study seeks to explore the causal relationships between human development, good governance, and social capital.

Methodology: The research aims to empirically analyze these relationships in three developing countries, including Iran, Lebanon, and Pakistan. To test the relationships among the variables, the Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) method was employed using SMART-PLS software. The study period, determined by data availability, covers the years 1999 to 2022. Data were collected from the World Values Survey (WVS) to measure social capital, the World Bank's governance indicators to assess good governance, and the United Nations Human Development Reports to measure human development. The results indicated that the relationship between good governance and human development was negative and moderate in Iran and Lebanon, while it was positive and moderate in Pakistan. Moreover, the relationship between social capital and good governance was negative in Iran and Lebanon, but positive in Pakistan.

Results: In contrast, social capital exhibited a positive and relatively strong relationship with human development in all countries under study, although the relationship was weaker in Lebanon. The findings suggest that social capital can act as an effective driver of human development, even within the context of weak governance.

Conclusions: These results highlight the importance of designing policies that recognize social capital as one of the drivers of human development, while also accounting for the cultural and institutional specificities of each country in analyzing causal relationships among the variables.

Cite this article: Abdulridha Al Zerkani, H.J., Bagher Najafi, S.M., Fathollahi, J., Dadkhah, V. (2025). The Impact of Social Capital on Good Governance and Human Development in Selected Middle Eastern Countries, A Partial Least Squares Structural Equation Modeling Approach. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (2), 235-265

